

حضور شکوهمند
زنان و کودکان
در مساجد

پاییز ۱۳۹۸

مؤسسه مسجد

فهرست مطالب (متن نهایی ۱۳۹۸/۹/۲)

بخش اول: بررسی حضور زنان در مسجد

فصل اول: زنان و مسجد

ویژگی‌ها و توانمندی‌های زنان..... ۳

فواید حضور زنان در مسجد..... ۳

فصل دوم: تاریخچه حضور زنان در مسجد

حضور زنان در مسجد قبل از اسلام..... ۹

حضور زنان در مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و

آله..... ۱۴

حضور زنان در مسجد در زمان ائمه علیهم السلام..... ۱۸

اقدامات خلفا..... ۱۹

۱. ممانعت از جلسات زنانه در مسجد..... ۱۹

۲. ممانعت از حضور در مسجد..... ۲۰

حسینیه و حضور زنان..... ۲۰

سازندگان حسینیه‌ها بدانند..... ۲۳

فصل سوم: بررسی دلایل و مستندات حضور و عدم حضور

دلایل حضور زنان در مسجد..... ۲۴

مستندات منع از حضور..... ۳۲

تحلیل و بررسی..... ۳۴

جمله معروف "مَسْجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا"..... ۳۶

فصل چهارم: اهمیت حضور زنان در مسجد

ممانعت از حضور..... ۳۹

پیامدهای ترک حضور..... ۳۹

شرط حضور..... ۴۰

تمهیداتی برای حضور زنان در مساجد..... ۴۰

الف: تسهیل حضور..... ۴۰

ب: تأمین امنیت..... ۴۰

ج: توجه و تکریم..... ۴۰

آداب حضور زنان..... ۴۱

الف: عزم حضور..... ۴۱

ب: در مسیر..... ۴۱

ج: در مسجد (هنگام نماز)..... ۴۲

ایستادن..... ۴۲

رکوع..... ۴۳

سجده..... ۴۳

تشهد..... ۴۳

حالات گوناگون..... ۴۳

پرده و حایل در مسجد..... ۴۴

موانع حضور زنان..... ۴۵

الف: نامناسب بودن قسمت اختصاصی بانوان..... ۴۵

ب: عدم توجه کافی به بانوان در خدمت‌رسانی..... ۴۵

ج: عدم توجه کافی به بانوان در برنامه‌ها..... ۴۶

جذب زنان به مسجد..... ۴۶

الف: جاذبه‌های مدیریتی..... ۴۶

ب: جاذبه‌های برنامه‌ای..... ۴۷

ج: جاذبه‌های خدماتی..... ۴۷

هشدارها..... ۴۸

بخش دوم: بررسی حضور کودکان در مسجد

فصل اول: اهمیت حضور کودکان

استقبال از حضور کودکان..... ۵۰

دلایل اهمیت حضور..... ۵۱

فصل دوم: وظایف بزرگ‌ترها در قبال کودکان

الف) باورها..... ۵۲

۱ / توجه به توانایی‌ها..... ۵۲

۲ / جایگاه بی بدیل مسجد..... ۵۳

۳ / مصونیت بخشی..... ۵۳

۴ / آینده‌سازی..... ۵۴

/ تربیت آسان و بهینه..... ۵۴

فصل سوم: آرزوهای کودکان

- ب) راهکارها..... ۵۵
- ۱ / شخصیت دادن..... ۵۵
- ۲ / لحاظ ظرفیت ها..... ۵۶
- ۳ / مدیریت هوشمندانه..... ۵۶
- ۴ / جذاب سازی و ایجاد علاقه..... ۵۷
- ۵ / رفتارهای کریمانه..... ۵۷
- ۶ / فراهم آوردن امکانات..... ۵۷
- دانستنی های بایسته برای کودکان..... ۵۷
- ۱ / اهمیت حضور..... ۵۹
- ۲ / آداب حضور..... ۵۹
- ۳ / زمان و مدت حضور..... ۵۹
- ۴ / همراهان..... ۶۰
- ۵ / سلوک با والدین و اعضای خانواده..... ۶۰
- ۶ / سلوک با دوستان ، فامیل و همسایگان..... ۶۰
- ۷ / سلوک با مسجدی ها..... ۶۰
- ۸ / سلوک با امام مسجد..... ۶۱
- ۹ / سلوک با خادم مسجد..... ۶۱
- ۱۰ / آداب نماز جماعت..... ۶۲
- ۱ / پایبندی به اسلام..... ۶۲
- ۲ / جایگاه مسجد..... ۶۳
- ۳ / موقعیت مسجد..... ۶۳
- ۴ / تأثیرپذیری از مسجد..... ۶۳
- ۵ / جذابیت های مسجد..... ۶۳
- ۶ / مسئولیت پذیری..... ۶۳
- ۷ / هندسه مسجد..... ۶۴
- ۸ / فضا و محیط مسجد..... ۶۴
- ۹ / امکانات مسجد..... ۶۵
- ۱۰ / لذت حضور..... ۶۵
- ۱۱ / توقعات از بزرگ ترها..... ۶۵
- ۱۲ / آداب حضور..... ۶۶
- ۱۳ / میزان حضور..... ۶۶
- ۱۴ / برنامه ها..... ۶۶
- ۱۵ / کلاس و آموزش..... ۶۶
- ۱۶ / امام جماعت..... ۶۷
- ۱۷ / نماز جماعت..... ۶۷

بخش اول

بررسی مضمون زنان در مسجد

فصل اول
زنان و مسجد

ویژگی‌ها و توانمندی‌های زنان

۱. جمعیت زنان کم تر از مردان نیست^۱.
۲. میانگین عمر زنان از میانگین عمر مردان بالاتر است و تقریباً ۴ تا ۱۱ سال بیش تر عمر می‌کنند.^۲
۳. از حافظه و عاطفه بیش تری برخوردارند برخلاف مردان که از عقل و قدرت بیش تری بهره مندند.
۴. گزارشگران بسیارخوبی هستند. لذا در ترویج مطالب موفق تر از مردانند. البته تبلیغ مؤثری ندارند.
۵. دوران جوانی آنان بیش تر از مردان است^۳؛ چون زودتر بالغ و دیرتر پیر می‌شوند .
۶. زنان در تحمل بیماری‌ها، بلاها و مصیبت‌ها علاوه بر مقاومت، پشتیبان مردانند و اگر زن نباشد، مردان در مصاف حوادث و مشکلات، منفعل و افسرده می‌شوند.^۴
۷. به دلیل رشد سریع، زنان زودتر ازدواج می‌کنند و مسئولیت همسری و مادری را می‌پذیرند.^۵
۸. امید به زندگی در زنان به مراتب بیش تر از مردان است.
۹. فرصت‌هایی بهتر و بیش تر از مردان دارند.
۱۰. منعطف و موعظه پذیرند و هدایت آنان آسان تر است.

-
۱. و اگر باشد خطر انقراض نسل به وقوع می‌پیوندد.
 ۲. حوادث و سوانح بیش تر برای مردان اتفاق می‌افتد.
 ۳. مردان از ۱۵ تا ۴۰ سالگی جوان هستند ولی زنان از ۹ تا ۶۰ سالگی.
 ۴. حتی رسالت انبیا در گرو همکاری و پشتیبانی همسرانشان و یا متأثر از نافرمانی و ناهماهنگی آنان بوده است.
 ۵. لذا کم تر دیده می‌شود زن همسن با شوهرش باشد چه رسد به این که مسن تر از وی باشد.

۱۱. با اطرافیان خود دلسوزتر از مردانند و به اطرافیان خود اشراف دارند و به دلیل حافظه زیاد، مراقبان خوبی هستند.

۱۲. مظهر جمال خداوند هستند بر خلاف مردان که مظهر جلال او هستند.

۱۳. همبستگی و وحدت آنان بیش از مردان است.

۱۴. تمرکز بیش تری دارند؛ چون ارتباطات اجتماعی و رفتاری های کم تری دارند و باید هم چنین باشد.

۱۵. در موفقیت همسرانشان نقش بی بدیلی دارند. پیامبران و امامان که همسرانی شایسته و سازگار داشتند

نظیر امام حسین موفق شدند به آسانی از بدترین مردم، برترین اصحاب را تربیت کنند ولی آنانی که

همسرانی ناسازگار داشتند مانند امام حسن مشکلات زیادی بر سر راهشان پدید می آمد.

۱۶. در ارتقای فرهنگ دینی خانواده خود اثرگذارتر از دیگران هستند.^۶

۱۷. برخی صفات ممتاز آنان، برای مردان، ناپسند برشمرده شده است.^۷

۱۸. آرامش خانواده و زیبایی و نظم زندگی به وجود آنان وابسته است.

۶. افزون بر تربیت فرزندان خود، بر شوهر، پدر و برادران خود نیز تأثیر گذارند. پیامبر اسلام با آن همه شرافت و

جلالتی که داشتند درباره دختر خود فاطمه سلام الله علیها فرمودند: فاطمه، امّ ابیها و برای من مثل مادر می ماند.

۷. مانند ترس، تکبر و بخل. زن به دلیل ترس به نقاط و مکان های ناامن نمی رود و آبرو و حیثیت خود را حفظ

می کند، به دلیل تکبری که دارد با نامحرمان متکبرانانه برخورد می کند و از نفوذ آنان به حریم پاکی خود مانع

می گردد و به دلیل بخلی که می ورزد از بذل و بخشش و ریخت و پاش اموال شوهر خود - که سرمایه زندگی آن

هاست - خودداری می ورزد.

۱۹. تهاجم فرهنگی و اجتماعی علیه آنان بیش‌تر از مردان است و توان بالای مقابله آنان با انواع تهاجمات

غیر نظامی - به ویژه تهاجمات اجتماعی - انکارناپذیر است.

۲۰. مسئولیت تربیت فرزندان و شوهرداری به عهده آنان است. لذاست که از دامان آنان است که شوهر و

فرزندان گاه به معراج و گاه به قعر جهنم می روند.

۲۱. مورد علاقه پدر و برادر و فرزندان هستند و این دل‌بستگی، ریشه‌دار و تأثیرگذار است.

۲۲. زبان عاطفی آنان بهترین وسیله و ابزار برای تربیت دختر و پسر می‌باشد.

۲۳. علاوه بر زنان برای مردان نیز می‌توانند الگوی خوبی باشند؛ همان‌گونه که قرآن کریم حضرت مریم و

آسیه همسر فرعون را الگوهای مناسبی برای مردان و زنان برمی‌شمارد.^۸

۲۴. در انتقال اطلاعات به دیگران پیشگام و پیشتاز و حرفه‌ای هستند.

۲۵. زنان در انجام کارهای هنری و علوم ریاضی و امور تربیتی و پرورشی^۹ موفق‌تر از مردان هستند.^{۱۰}

۸. مراجعه کنید به آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم.

۹. اگر ۴۰ بچه را به یک زن بدهید از آنها مراقبت می‌کند ولی ۴۰ مرد نمی‌توانند یک بچه را به خوبی نگهداری کنند.

۱۰. زنان در ریسندهی، بافندگی، در زندگی و آشپزی چون اموری هنری هستند موفق‌اند و می‌توانند در پرستاری، مامایی و امور مخصوص به بانوان شاغل شوند.

اشتغال زنان در امور هنری و عاطفی و تربیتی که با روحیه لطیف و حساس آن‌ها سازگاری دارد امری پسندیده و مقبول است ولی نباید آنان را در امور سخت، خشن و پرزحمت وارد کرد و از آن‌ها کار کشید.

۲۶. زنان بهترین پشتیبان مردان هستند. زن اگر پشتیبان مرد باشد قدرت و اراده مرد را ده برابر می‌کند و اگر جلوتر از مرد قرار گیرد مرد را از مردانگی می‌اندازد. حضور زنان در جنگ‌ها بهترین پشتیبان و تحریک کننده مردان بوده و هست.

۲۷. عبادت آنان با کیفیت‌تر از مردان است و کمیت آن نیز کم‌تر از مردان نیست.^{۱۱}

افزون بر این که تصاحب مشاغل این چینی باعث خانه نشین کردن مردان می‌گردد به گونه‌ای که شاید بتوان گفت با حضور هر زن در این گونه مشاغل دو مرد، خانه نشین می‌شود و امروزه خیلی از جوامع بدان مبتلا شده‌اند و کشور ما نیز کم و بیش این مسیر اشتباه را می‌پیماید.

^{۱۱} چون زنان حدود ۶ سال زودتر از مردان مکلف می‌شوند و حدود ۴ سال بیش‌تر عمر می‌کنند که در مجموع ۱۰ سال می‌شود و از ۱۰ تا ۵۰ سالگی که عادت حیض می‌بینند چون معمولاً در هر ماه یک چهارم آن را حیض می‌بینند که در مجموع همان ۱۰ سال بیش‌تر نمی‌شود. لذا مجموع رکعات نماز زنان از آغاز تکلیف تا انتهای عمر با تعداد رکعات نماز مردان برابری می‌کند..

با تبیین حقوق زنان، وظایف مردان و با تبیین حقوق مردان، وظایف زنان مشخص می‌شود. این یکی از اصول مهم در تبیین حقوق اسلامی است که به هر فرد هم حقوقش را آموزش دهیم و هم وظایفش را و در حقوق متقابل به فرد مقابل نیز حقوق و وظایفش را آموزش دهیم تا از پیامدهای ناگوار ناشی از توقعات بیجا جلوگیری کنیم و این اصل تربیتی در رساله حقوق امام سجاد به نیکی مراعات شده است.

فواید حضور زنان در مسجد

۱. مسجد محل تربیت تمام افراد جامعه است. اگر مانع حضور زنان شویم، این تربیت محقق نخواهد شد.

چراکه فرهنگ و تربیت قشری از جامعه امکان پذیر نیست. مسجد، پرورشگاه و زن، مربی است و

حضور مربی در پرورشگاه ضروری است تا تربیت افراد خانواده و جامعه به خوبی تحقق پذیرد.

۲. زنان مشوق و مروج خوبی برای مردان و فرزندان در رفتن به مسجد می‌شوند. اگر زن مسجدی

باشد، شوهر و برادر و فرزند هم مسجدی می‌شوند؛ چون غالباً آنان ناپسند می‌دانند که در خانه

بمانند و او به تنهایی به مسجد برود.

۳. تبادل اطلاعات سیاسی به سهولت انجام می‌پذیرد و اگر زنان در این امر مشارکت نکنند جامعه

دچار آسیب سیاسی می‌گردد و از آنجا که زنان در مسائل سیاسی عاطفی هستند لذا از سرعت بیش

تری برخوردارند.

۴. مسجد جذابیت بیش تری پیدا می‌کند؛ در مساجدی که زن‌ها نظافت، غبارروبی و خادم بودن را

عهده‌دار شده‌اند، مسجد جذاب‌تر گردیده است.

۵. زنان از حقوق و وظایف خود به همسرانشان مطلع می‌شوند و این امر سبب مسئولیت پذیری بیش تر

آنان و تعدیل خواسته‌ها و انتظارات آن‌ها می‌شود و کانون خانواده گرم‌تر می‌گردد و از بحران‌ها و

فروپاشی‌ها جلوگیری می‌شود.

۶. همواره زنان بی شوهر و شوهر مرده از مردان بدون زن و زن مرده بیش تر است^{۱۲} و مسجد بهترین

جایگاه تأمین روحی و پرکردن اوقات فراغت آن هاست.

۷. دوران جوانی زنان بیش از مردان است و در نتیجه از نظر روحی و روانی آسیب پذیرترند. لذا نیاز به

نقطه امنی دارند تا از آسیب‌ها حفظ شوند و مسجد بهترین مکان برای این امر است.

۸. حضور زنان در امر تعمیر و تأمین هزینه های مسجد مؤثر است؛ چون از یک سو اغلب از مهریه و

ارث و مزد شیردهی و نگهداری فرزند بهرمنند می شوند و از سویی دیگر تأمین همه هزینه های

آنان با شوهرانشان است و با وجود بیمه اگر شوهرانشان مرحوم نیز بشوند ضرری به آنان نمی رسد

لذا کمک های زنان به مسجد بی نظیر است و در نذر و وقف و وصیت پیشگامند. و نیز اگر تشویق

شوند ثروت های قابل توجهی به طرف مسجد هدایت می گردد.

۹. زنان واسطه خوبی برای جذب هزینه های مسجد توسط مردانند؛ چون زبان گویا و روحیه ای لطیف

برای جذب مردان به اهداف خود هستند و از طرفی اگر مخالف کمک مردان به مسجد شوند، تأثیر

منفی زیادی دارند.

۱۰. با حضور زنان در مسجد اسباب و زمینه های تفرقه کاهش می یابد و یا به کلی از بین می رود و

وحدت اجتماعی و سیاسی به خوبی برقرار می گردد.

^{۱۲} چون زنان معمولاً زودتر از مردان ازدواج می کنند و متوسط عمرشان بیش تر از مردان و آسیب دیدگی و تلفات

آنان نیز نسبت به مردان کم تر است.

۱۱. زنان که محور اصلی انسجام و تربیت خانواده هستند از فسادها و بی‌مبالاتی‌ها مصونیت می‌یابند و

با سلامت آنان افراد خانواده و جامعه نیز سالم و پاک می‌مانند.^{۱۳}

اولویت حضور زنان در مسجد

گرچه برخی مانع حضور زنان در مسجد هستند و برخی آن را مکروه دانسته و برخی جایز و بلاشرط و بدون اولویت مردان یا زنان می‌دانند اما با نگاهی اجمالی، اولویت داشتن حضور زنان در مسجد به وضوح اثبات می‌شود:

۱. با آن که زن، حرم شمرده شده و حریمی دارد و باید حفظ و مراقبت شود ولی برای حضور وی در مسجد پیش شرطی - حتی لزوم عفاف و حجاب - نیامده است.

۲. با آن که زن در باره خروج خود از خانه نیاز به کسب اجازه و رضایت شوهر دارد گویا فقط در باره رفتن به مسجد هیچ گونه اجازه‌ای لازم ندارد.

۳. با آن که حضور زن در مسجد به مقدمات بسیاری نیاز دارد و به مراتب دشوارتر از حضور مردان است - چه از نظر پوشش کافی و چه از نظر مسافت تا مسجد در حالی که مردها اغلب بیرون خانه هستند و

^{۱۳}. بیش‌تر مفاسد اجتماعی و تهاجم‌های فرهنگی از زنان شروع می‌شود. رسول خدا در بیان علائم آخرالزمان فساد زنان را قبل از فسق و فجور جوانان برمی‌شمارند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص): كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتِ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ. كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟ فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ. كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟؛ الكافي، جلد ۵، صفحه ۵۹، حدیث ۱۴.

گاهی در مسیر کاری خود به مسجد می‌رسند - با این وجود نه تنها هیچ منعی وارد نشده است بلکه زنان برای رفتن به مسجد تشویق هم شده‌اند.

۴. با آن که حضور مادران باردار و شیرده در مسجد مشقت زاست ولی باز هم به مسجد آمدن ترغیب شده‌اند.

۵. زنان در ایام جنابت، حیض و نفاس باز هم از مسجد بی‌بهره نیستند؛ چرا که می‌توانند عبوری وارد مسجد شوند.

۶. بلوغ زنان چند سال زودتر از مردان اتفاق می‌افتد و در نه سال قمری مکلف می‌شوند.

۷. مادران بچه‌دار - با آن که مراعات طهارت و نجاست برای آنان مشکل زاست - از حضور در مسجد منع نشده‌اند.

۸. با کسانی که زنان را از حضور در مسجد محروم می‌کنند و مصداق "من أظلم" می‌شوند برخورد شدید شده است.

۹. امنیت طریقی برای زنان مهم است و با آن که ممکن است در بین راه به آنان تعرضی بشود در عین حال به آنان برای عدم حضور در مسجد ترخیصی داده نشده است.

۱۰. در صدر اسلام برخی زنان به قدری لباسشان مندرس بود که اندام آنان را به خوبی نمی‌پوشانید و از این بابت به رسول خدا شکوه هم می‌کردند، با این حال از حضور در مسجد معاف دانسته نمی‌شدند.

۱۱. با آن که بعضی از مردان یا نمی خواستند و یا نمی توانستند برخی مسائل را مراعات کنند - مثل آن که

شلوارشان تنگ و کوتاه بود و هنگام رفتن به رکوع و سجود به دلیل عدم وجود پرده و حایل، برخی زنان

به آن ها نگاه می کردند - باز هم از حضور زنان جلوگیری نمی شد.

۱۲. عوارض، عواقب و پیامدهای ترک مسجد - از نظر اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و ... - بیش تر متوجه

زنان است و به آنان آسیب های جبران ناپذیری می رساند؛ همان گونه که فواید و فضایل حضور در

مسجد بیش تر نصیب زنان می شود.

۱۳. با آن که رکوع و سجود زنان - با عدم پرده و حایل - ممکن است مهیج و تحریک کننده باشد ولی این

مسأله مانع قلمداد نشده است.

از آنچه گفتیم و خواهیم گفت به دست می آید در مواردی که امر دائر باشد بین این که یا مرد به مسجد برود یا

زن، اولویت با زن است؛ چون:

۱. زن حافظه بیش تری دارد و بهتر گزارش می دهد.

۲. در امر تربیت مؤثرتر و کارآمدتر از مرد است.

۳. زن مصلح مرد را اصلاح می کند ولی مرد مصلح کم تر می تواند زن را اصلاح کند.

۴. دشمنان بیش تر به زنان توجه دارند.

۵. زن اگر پشتیبان مرد باشد ده ها برابر بر نیرو و توان او می افزاید و اگر مانع او باشد او را منفعل و

ناکارآمد می کند و این مسجد است که زن را پشتیبان مرد قرار می دهد.

فصل دوم

تاریخچه مضور زنان در مسجد

مضمر زنان در مسجد قبل از اسلام

در ادیان الهی گذشته، حضور زنان در معابد - همراه با مردان - امری مشروع و رایج بوده است و زنان هیچ گونه منعی نداشته‌اند.

۱. نخستین بانوی کره خاکی - حضرت حوا علیها السلام - در مسجد الحرام به نیایش ایستاد و مراسم حج و طریقه خواندن نماز را از جبرئیل فراگرفت.

۲. همسر ابراهیم خلیل - هاجر - با فرزندش اسماعیل برای اقامه نماز در مسجد الحرام سکنی گزید.^{۱۴}

۳. مریم مقدس سال‌های طولانی در مسجد الاقصی سکنی گزید و به خدمتگزاری پرداخت.

حضور زنان در معابد به قدری مؤثر و نقش‌آفرین بوده که بنی اسرائیل و مشرکان و کافران را بر آن داشته تا با این قضیه برخورد جدی کنند و حضور زنان در معابد را امری زشت و ناپسند معرفی و آنان را از این حضور بازدارند.

خداوند نیز با افکار و اعمال مشرکان و کافران به مقابله برخاسته و از نفوذ فکری و عقیدتی و سلطه عملی آنان جلوگیری کرده است. پذیرفتن حضرت مریم به عنوان خدمتگزار بیت المقدس از سوی خداوند بهترین دلیل بر این مدعاست.

^{۱۴} از محکمتات تاریخ، حجر اسماعیل است که قبر هاجر در آن جا قرار دارد و جزو مطاف می‌باشد و حضرت ابراهیم، هاجر را کنار کعبه به قصد اقامه نماز گذاشت؛ "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ..." پروردگارا من برخی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ (سوره ابراهیم، آیه ۳۷).

*خداوند با این طرز تفکر که فقط پسران و مردان می‌توانند خادم معبد شوند و دختران و زنان از این فضیلت محرومند، مبارزه می‌کند و به حضرت مریم این امتیازات را اعطا می‌کند.

۱. عالی ترین درجه: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ^{۱۵}؛ خداوند او را به طرز نیکویی پذیرفت.

در این آیه دو نکته حائز اهمیت است:

الف: تقبل، پذیرفتن چیزی است با رضایت مانند قبول هدیه.^{۱۶}

ب: ضمیر «ها» به مریم برمی‌گردد و بدان معناست که خداوند گوهر ذات مریم را پذیرفت و این بسی

برتر و والاتر از قبولی اعمال یا اخلاق و یا عقیده است.

۲. اعطای رشد و تکامل معنوی: "وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا"^{۱۷} و به طرز شایسته ای نهال وجود او را رویانید و

پرورش داد.

۳. سرپرستی شایسته: حضرت زکریا از میان خیل مشتاقان^{۱۸} عهده‌دار سرپرستی مریم گردید. "وَكَفَّلَهَا

زَكَرِيَّا."

۱۵. سوره آل عمران، آیه ۳۷.

۱۶. قَالَ الطَّبْرَسِيُّ: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا مَعَ أَنْوَتِهَا وَرَضِيَ بِهَا فِي النَّذْرِ الَّذِي نَذَرْتَهُ حَتَّى لِلْعِبَادَةِ فِي بَيْتِ الْمَقْدَسِ؛

مجمع البیان جلد ۲ صفحه ۷۳۹.

۱۷. سوره آل عمران، آیه ۳۷.

۱۸. همان، آیه ۴۴؛ "وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ"؛ (ای

پیامبر) تو در آن هنگام که قلم‌های خود را برای قرعه کشی به آب می‌افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی

۴. استمرار مضمون: خداوند عادت ماهانه «حیض» را از مریم برداشت تا بتواند در بیت المقدس حضور مستمر

داشته باشد.^{۱۹}

۵. ارتزاق غیبی: خداوند نه یکبار که پیوسته از راه غیبی، غذاهای بهشتی برای مریم حاضر می کرد به گونه

ای که زکریا را به شگفتی واداشت و از خود مریم در این باره پرسید و او آن را رزقی غیر عادی و از

جانب خداوند برشمرد.^{۲۰}

۶. معرفی وی به عنوان اسوه و الگوی مردان و زنان^{۲۱}

۱. حضرت مریم در معبد، محراب اختصاصی هم داشت که در آن عبادت می کرد.^{۲۲}

مریم را عهده دار شود و نیز هنگامی که دانشمندان بنی اسرائیل برای کسب افتخار سرپرستی او با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی. (و همه اینها از راه وحی به تو گفته شد).

۱۹. سوره آل عمران، آیه ۴۲؛ " وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ

الْعَالَمِينَ "؛ و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام

زنان جهان برتری داده است. عبارت " وَطَهَّرَكِ " افزون بر طهارت معنوی، طهارت ظاهری را نیز شامل می شود

۲۰. همان؛ " كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ "؛ هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید از او

پرسید: «ای مریم این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب

روزی می دهد.

۲۱. عبارت " اصْطَفَاكِ " در آیه ۴۲ سوره آل عمران " وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَ

اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ " و نیز آیه ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم " وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتَ فِرْعَوْنَ ... وَ

مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ... " بر این معنا دلالت دارد.

۲. خداوند به وی دستور داد تا در نماز جماعت مردان شرکت کند.^{۲۳}

۳. حضرت مریم تا هنگام فرارسیدن وضع حمل، مدام در مسجدالاقصی حضور داشت ولی برای وضع

حمل به ناچار از مسجد خارج شد.^{۲۴}

در آیین یهود خدمتکاران معبد همگی از نوزادان پسر انتخاب می‌شدند و مادر حضرت مریم علیهاالسلام

نیز بر طبق بشارت الهی که به همسرش عمران داده شده بود، گمان می‌کرد فرزندی که در رحم دارد پسر

است لذا او را نذر معبد کرده بود اما زمانی که فرزندش متولد شد و او را دختر یافت ابتدا نگران شد که

نتواند به نذرش وفا کند ولی نمی‌دانست که خداوند با این تدبیر می‌خواهد زن را در جایگاه واقعی خود

قرار دهد و خدمتگزاری بیت‌المقدس را از انحصار مردان خارج سازد و با اعطای فرزندی چون عیسی

مسیح به مریم بدون داشتن شوی و همسر او را بر همه زنان عالم سروری بخشد.

۴. حضرت مریم در مسجد بین خود و مردان حجاب و مانع ایجاد کرد.^{۲۵}

۲۲. بحارالانوار، جلد ۱۴، صفحه ۱۹۶؛ قال محمد بن إسحاق ضمها إلى خالتها أم يحيى حتى إذا شبت و بلغت

مبلغ النساء بنى لها محرابا فى المسجد و جعل بابه فى وسطها لا يرقى إليها إلا بسلم مثل باب الكعبة و لا يصعد إليها غيره.

۲۳. سوره آل عمران، آیه ۴۳؛ " يا مَرِيْمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاَسْجُدِي وَاَرْكَعِي مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ "؛ ای مریم برای پروردگار

خود خضوع کن و سجده به جا آور و با رکوع کنندگان رکوع کن.

۲۴. سوره مریم، آیه ۲۳؛ " فَآجاءَهَا الْمَخاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ "؛ درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمايي

کشاند.

۲۵. سوره مریم، آیه ۱۷؛ " فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا "؛ و میان خود و آنان حجابی افکند.

مادر حضرت مریم او را نذر معبد کرده بود و او موظف بود همیشه در معبد به عبادت و

خدمتگزاری مشغول باشد و از آن جا خارج نگردد و او نیز چنین می کرد.^{۲۶}

* قبل از بعثت پیامبر، فاطمه بنت اسد به مسجدالحرام آمد و به طواف کعبه می پرداخت و چون درد

زایمان را احساس کرد، دیوار کعبه شکافته شد و او وارد کعبه شد و زایمان کرد و پس از آن سه

روز نیز ماند و هیچ کس ایشان را سرزنش نکرد که چرا به مسجد آمده و چرا در درون کعبه ماندی.

این بیانگر آن است که حضور زنان در مسجد قبل از ظهور اسلام رواج داشته است.

مضمر زنان در مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله

در تاریخ اسلام نام حضرت خدیجه علیهاالسلام به عنوان اولین زن مسلمان مطرح است و می بینیم

برخلاف ذهنیت مشرکین، وی از همان ابتدا به نماز جماعت رسول خدا حاضر می شود.^{۲۷} و این نه در

خانه و نه مخفیانه که در منظر عمومی و در مسجدالحرام نه یک بار که به طور مستمر مقابل چشم

مشرکان اتفاق می افتد و با حضور مستمر خدیجه این سد بزرگ و آهنین فرو می شکند و زنان به

حضور در مسجد و جماعت ترغیب می شوند.

۲۶. سوره آل عمران، آیه ۳۵ می فرماید: "إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا؛" (به

یاد آورید) هنگامی را که همسر عمران گفت: «خداوندا آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که مُحَرَّر (و آزاد

برای خدمت خانه تو) باشد.

۲۷. احکام المساجد، جلد ۲، صفحه ۸۷.

نکته حضور حضرت خدیجه در مسجد و شرکت ایشان در نماز پیامبر، تدریجی نبوده بلکه بدون

وقفه و فوت وقت و همیشه جریان داشته است.^{۲۸}

با گسترش روز افزون اسلام، مساجد مسلمین روز به روز رونق بیش تری می گرفت و تعداد زنان

مسلمان نیز افزایش می یافت و مسجدالنبی مملو از نمازگزاران مرد و زن می شد.

در تاریخ اسلام به نمونه هایی از حضور زنان در مساجد و نقش آفرینی آنان برمی خوریم:

۱. زنان شب ها با آوردن سنگ، در ساخت مسجدالنبی مشارکت می کردند.

۲. در بیعت عقبه، زنان در "مسجدالبیعه" با پیامبر بیعت کردند.

۳. زنان در "مسجد ذوقبلتین" حضور داشته و هنگام تغییر قبله در وسط نماز ظهر، جای خود را با

مردان - به دلیل تغییر جهت قبله - تعویض کردند.^{۲۹}

۴. در مسجدالنبی زنان تا محراب می آمدند و پاسخ سؤالات خود را از آن حضرت می پرسیدند.

۵. در مواقع ازدحام جمعیت در مسجدالنبی و کمبود فضای مسجد، زنان از حضور در مسجد منع

نشدند.^{۳۰}

۲۸. بر خلاف برخی برنامه ها - مثل حرمت شراب - که اصل تشریح آن ها تدریجی بوده است.

۲۹. وَ سَأَلَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ التَّحْرِيفِ لِأَصْحَابِنَا ذَاتِ الْيَسَارِ عَنِ الْقِبْلَةِ وَ عَنِ السَّبَبِ فِيهِ. فَقَالَ:

... فَلَمَّا صَلَّى مِنَ الظُّهْرِ رَكَعَتَيْنِ جَاءَهُ جَبْرَيْلُ (ع) فَقَالَ لَهُ: " قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُؤَلِّبَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا

فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ " الْآيَةَ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ النَّبِيِّ (ص) فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ حَوَّلَ مَنْ خَلْفَهُ وَ جُوهَهُمْ

حَتَّى قَامَ الرَّجَالُ مَقَامَ النِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ مَقَامَ الرَّجَالِ...؛ من لا يحضره الفقيه، جلد ۱، صفحه ۲۷۴ حدیث ۸۴۵.

۶. پیامبر از زنان در مسجدالنبی سرکشی می کرد.^{۳۱}

۷. رسول خدا همه ساله با همسران خود در مسجد معتکف می شدند و زنان دیگر نیز مجاز به

اعتکاف بوده و هستند.^{۳۲}

۸. در جریان نماز جمعه‌ای که اکثر نمازگزاران، پیامبر را در حال خطبه خواندن تنها گذاشتند و به

طرف کاروان تجاری رفتند^{۳۳}، ۱۲ نفر ماندند که تعدادی از آنان زنان^{۳۴} و از جمله آنان حضرت

زهره سلام الله علیها بود.

۳۰. بلکه دستور آمد کمی فشرده‌تر بنشینید تا امکان حضور همگان فراهم آید؛ "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ"؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشید (و به تازه واردها جا دهید)»، وسعت بخشید، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می‌بخشد. (سوره مجادله، آیه ۱۱)

۳۱. و خطاب به آنان این تعابیر را می فرمود: "یا معشر النساء" و "یا معاشر النساء".

۳۲. افزون بر نقل تاریخی، آیه ۱۸۷ سوره بقره: "وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ"؛ در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید. «دلیل بر جواز اعتکاف زنان در مسجد است؛ چون روشن است که معتکف نمی‌تواند برای زناشویی از مسجد خارج شود و زن نیز عادتاً برای این امر به مسجد نمی‌آید پس آیه ناظر به مواردی است که زن همراه با شوهر خود در مسجد معتکف باشد.

۳۳. "وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا"؛ هنگامی که آن‌ها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند؛ سوره جمعه، آیه ۱۱.

۳۴. قَالَ الْمُقَاتِلَانِ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذْ قَدِمَ دَحِيَّةُ بْنُ خَلِيفَةَ الْكَلْبِيُّ مِنَ الشَّامِ بِتِجَارَةٍ وَ كَانَ إِذَا قَدِمَ لَمْ يَبْقَ بِالْمَدِينَةِ عَاتِقٌ إِلَّا أَتَتْهُ وَ كَانَ يَقْدَمُ إِذَا قَدِمَ بِكُلِّ مَا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ دَقِيقٍ أَوْ بُرٍّ أَوْ غَيْرِهِ وَ يَنْزِلُ عِنْدَ

۹. در مسجدالنبی بین مردان و زنان حایل و پرده‌ای وجود نداشت و به زنان توصیه می‌شد حتماً

بعد از سر برداشتن مردان، سر از رکوع و سجده بردارند.^{۳۵}

۱۰. حضرت زهرا سلام الله علیها مدتی از حاملگی خود به امام حسین علیه‌السلام را در مسجد ماند

و جز در مواقع ضروری خارج نشد.^{۳۶}

أَحْبَارِ الزَّيْتِ وَ هُوَ مَكَانٌ فِي سُوقِ الْمَدِينَةِ ثُمَّ يَضْرِبُ بِالطَّبَلِ لِيُؤْذِنَ النَّاسَ بِقُدُومِهِ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ النَّاسُ لِيَتَبَايَعُوا مَعَهُ فَقَدِمَ ذَاتَ جُمُعَةٍ وَ كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُسَلَّمَ وَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَائِمٌ عَلَى الْمِنْبَرِ يَخْطُبُ فَخَرَجَ النَّاسُ فَلَمْ يَبْقَ فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا وَ امْرَأَةً ... بحارالانوار، جلد ۸۶، صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴ و مجمع البيان، جلد ۹، صفحه ۴۳۳.

۳۵. عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: قَالَ أَبِي: قَالَ عَلِيُّ (ع): كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) وَ كُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ قَبْلَ الرَّجَالِ لِضَيْقِ الْأُزُرِ؛ زَنَانِ هُمُورِهِ بَا بِبِامْبِرِ نَمَازِ مِي كَزَارَدَنْدِ وَ بِيُوسْتَهْ بَه آنان دستور داده می‌شد که قبل از مردان سر از رکوع و سجده برندارند؛ چون شلوارهای مردان تنگ بود؛ وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۴۳، حدیث ۱۰۸۵۵.

در روایتی از امام صادق علیه السلام به جای ضیق الازر عبارت "قَصْرُ أُزُرِهِنَّ" آمده است و تعلیل به کوتاهی شلوار شده است نه تنگی آن. مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۵۱۱، حدیث ۴.

طبرسی در مکارم الاخلاق در روایتی از زراره از امام باقر علت این امر را چنین بیان می‌فرماید: "ذلک أنهم كانوا من صغر إزارهم إذا ركعوا و سجدوا بدت عورتهم من خلفهم"؛ این بدان خاطر بود که شلوار مردان، کوچک بود و وقتی به رکوع و سجود می‌رفتند عورت آنان از پشت سر دیده می‌شد؛ مکارم الاخلاق، (فی الأسورة)، صفحه ۹۴.

۳۶. عَنْ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) خَرَجَ فِي طَلَبِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ قَدْ خَرَجَا مِنَ الْبَيْتِ وَ أَنَا مَعَهُ ... (قالت فاطمه سلام الله عليها) ... فَلَمَّا صِرْتُ فِي الْأَرْبَعَةِ آنَسَ اللَّهُ بِهِ وَ حَشْتِي وَ لَزِمْتُ الْمَسْجِدَ لَا أَبْرَحُ مِنْهُ إِلَّا لِحَاجَةٍ تَظْهَرُ لِي فَكُنْتُ فِي الزِّيَادَةِ وَ الْخِيفَةِ فِي الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ حَتَّى تَمَّتِ الْخُمْسَةَ؛ بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۷۲ و ۲۷۳، حدیث ۳۹ و الخرائج، جلد ۲، صفحه ۸۴۱.

طبرسی در مکارم الاخلاق در روایتی از زراره از امام باقر علت این امر را چنین بیان می‌فرماید:

این بدان دلیل بود که شلووار مردان کوچک بود و وقتی به رکوع و سجود می‌رفتند عورت آنان از

پشت سر دیده می‌شد؛

مضمر زنان در مسجد در زمان ائمه علیهم‌السلام

۱. پس از رحلت رسول اکرم و داستان خلافت، حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان مدافع حق

ولایت دست به یک نهضت بزرگ سیاسی زد:

الف: حضرت در این زمینه سخنرانی‌های زیادی نمود که بیش‌تر آن‌ها در مسجد صورت می‌گرفت و

کسی به ایشان خرده نگرفت و این نشان‌دهنده آن است که در آن زمان حضور زن در مسجد

امری مکروه و یا غیرمعارف نبوده است.

ب: حضرت در مسیر رفتن به مسجد کتک خوردند.

۲. حضرت زهرا سلام الله علیها پس از رحلت پیامبر و ناامن شدن مدینه با فرزند خود امام حسن

به مسجد می‌رفتند.^{۳۷}

۳. اصبع بن نباته نقل می‌کند حضرت علی در مسجد کوفه عطایایی را به مردم می‌داد و زنی آمد

و به حضرت اعتراض کرد.^{۳۸}

۳۷. بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۷۳.

اقدامات فلما

۱. ممانعت از جلسات زنانه در مسجد

پس از رحلت پیامبر، به تدریج با بعضی از سنت‌هایی که رسول اکرم آن‌ها را پایه‌گذاری کرده بود اما به مصلحت حکومت وقت نبود، مبارزه شد.

خلیفه دوم به طور علنی با تعدادی از سنت‌ها به مخالفت برخاست که در تاریخ ثبت شده است.

زنان شب هنگام وقتی برای نماز جماعت عشا به مسجد می‌رفتند، فراغتی می‌یافتند تا پس از نماز به بحث و گفتگو در باره خلافت بپردازند.

هنگامی که خبر به گوش خلیفه دوم رسید، دستور داد شب‌ها پس از نماز عشا مسجد را ببندند تا زنان جایی برای تشکیل این‌گونه جلسات نداشته باشند.

بستن درب مسجد برخلاف سنت و سیره رسول خدا اتفاق افتاد و مخالفت زنان را در پی داشت و حتی همسران خلیفه اول و دوم نیز به آن تن ندادند ولی به تدریج این قضیه با تحکم، فراگیر و عملی شد.^{۳۹}

۲. ممانعت از حضور در مسجد

در تاریخ آمده است که خلیفه دوم هنگام ازدواج با زنان خود شرط می‌کرد که به مسجد نروند.

^{۳۸}. بحارالانوار، جلد ۴۰، صفحه ۱۴۱، حدیث ۴۲ و بصائر الدرجات، صفحه ۳۵۷، حدیث ۱۴؛ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كُنَّا وَقُوفًا عَلَى رَأْسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِالْكَوْفَةِ وَهُوَ يُعْطَى الْعَطَاءَ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ جَاءَتْهُ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَعْطَيْتَ الْعَطَاءَ جَمِيعَ الْأَحْيَاءِ إِلَّا هَذَا الْحَيَّ مِنْ مُرَادٍ لَمْ تُعْطِهِمْ شَيْئًا...

^{۳۹}. به راستی چرا هنوز هم که هنوز است ما شیعیان در خیلی از مساجد، بلافاصله پس از نماز عشا درب‌های مسجد را می‌بندیم. آیا این از بقایای همان بدعتی نیست که خلیفه دوم در دین اسلام گذاشت!!

مسئله و حضور زنان

از دلایل سازندگان اماکنی مثل حسینیه، فراهم نمودن زمینه حضور زنان معذور، در مراسمات مذهبی است.

ممانعت از حضور زنان در مساجد در ایام حیض حکمت‌هایی دارد که با دانستن آن‌ها نیازی به چاره‌جویی و فراهم

آوردن حضور آنان در مراسمات مذهبی نیست.

۱. چون زنان زود عاشق می‌شوند و مسجد محبوب آنان است چند روزی در ماه آن‌ها را از مسجد جدا

کرده تا زندگی آنان مختل نشود...^{۴۰}

۲. زنان در ایام عادت ماهانه روحیاتی خاص پیدا می‌کنند که آمادگی مناسب با عبادت و شنیدن وعظ و

خطابه نیست:

الف: زنان در این ایام حتی میل چندانی به شرکت در مجالس عروسی ندارند چه رسد به مجالس وعظ و خطابه

و روضه.

ب: اصولاً زنان در این حالت، آمادگی بهره‌مندی از وعظ و ارشاد را ندارند و اگر هم در این گونه مجالس

شرکت کنند، بهره چندانی نمی‌برند.

ج: از نظر پزشکی در این ایام نباید گریه کنند و به طور طبیعی نه خنده زیادی دارند و نه گریه زیادی.

د: اگر ممنوع از حضور در مسجد هم نمی‌شدند شاید چندان رغبتی به حضور در مسجد نداشتند چه رسد به

حضور در حسینیه و امثال آن.^{۴۱}

^{۴۰} گرچه حضور عبوری و استفاده کوتاه آنان از مسجد منع نشده است.

هـ: با هرچه در ایام حیض تماس داشته باشند و بدان آمیخته شوند بعد از پاکی با آن حساسیت منفی پیدا می-
کنند^{۴۲} و شاید معاف بودن از نماز و ممنوعیت از حضور در مساجد بدان علت باشد که از مسجد و نماز متنفر
نشوند.

و: جدای از ممنوعیت شرعی، در عرف مردم نیز زنان در این ایام از همه چیز - و در بعضی مناطق حتی از
اموری مثل آشپزی - معاف هستند.^{۴۳}

در سایر احکام شرعی نیز مسائلی مطرح است که می تواند مؤید مطالب گفته شده باشد:

۱. با این که خداوند هرگونه استفاده و استمتاع از زن را برای شوهر جایز و مباح شمرده و بدان تشویق هم

کرده است^{۴۴} ولی در ایام حیض نه تنها فرمان به عدم کامروایی داده بلکه به اعتزال و جدایی شوهر از

همسرش فرمان داده است.^{۴۵}

^{۴۱} معمولاً به طور متوسط همیشه یک پنجم زنان حائض هستند ولی وقتی جمعیتی که برای مراسم مذهبی شرکت
می کنند مورد ارزیابی قرار بگیرد یک پنجم آنان حائض نیستند.

^{۴۲} لذا آمیزش با زن در ایام حیض ممکن است باعث تنفر زن از شوهر و بروز اختلافات شود. (مشاوران و
روانشناسان در بررسی علل اختلافات و مشاجرات زوجین آن را مدنظر دارند)

^{۴۳} ای کاش بانوان در دانشگاه ها و حوزه های علمیه و دانشکده های پزشکی این مطالب را به عنوان فرضیه مد
نظر قرار می دادند و روی آن، کار تحقیقی می کردند و جواب علمی هم ارائه می دادند.

^{۴۴} سوره بقره، آیه ۲۲۳؛ " نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ؛ " زنان شما محل بذرافشانی شما هستند،
پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید.

^{۴۵} همان، آیه ۲۲۲؛ " وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ
يَطْهُرْنَ؛ " (ای پیامبر) از تو درباره حیض سؤال می کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت

۲. از طلاق زنان در ایام حیض نهی شده است؛ چون آنان در این ایام در طلاق طبیعی به سر می‌برند.

۳. حضور آنان نزد محتضر و شرکت آنان در تشییع جنازه، مکروه است.

۴. زناي مرد در ایام حیض همسرش، زناي محصنه محسوب نمی‌شود.

سازندگان مراکزی چون حسینیه یا به این حقایق واقف نیستند و یا فراهم آوردن زمینه حضور زنان در مراسم مذهبی را بهانه و دستاویزی برای اغراض دیگر قرار می‌دهند.

اگر واقعاً سازندگان این مراکز این همه به فکر زنان هستند پس چرا:

۱. هنگام پذیرایی، اول به فکر زنان نیستند.

۲. در هنگام ساخت، فضایی امن و مناسب برای آنان در نظر نمی‌گیرند.^{۴۶}

قاعدگی از زنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند» در آیه سخن از "لَا تَمَسُّوهِنَّ" و یا "لَا تُبَاشِرُوهُنَّ" نیست بلکه سخن از "اعْتَرِزُوا" می‌باشد.

^{۴۶}. و البته این اشکالات به سازندگان مساجد هم تا اندازه‌ای وارد است که جایی مناسب و درخور شأن و منزلت زنان در مسجد برای حضور آنان در نظر نمی‌گیرند.

آیا نمی‌دانند زیر بالکن و یا نیم طبقه بالای مسجد و مکان‌هایی این‌چنینی باعث آزار و اذیت آنان می‌شود. آنان معمولاً یا حامله‌اند یا کودک به همراه خود دارند و یا به دلایل دیگر نمی‌توانند از پله بالا بروند و...

این در حالی است که در برخی کشورهای اسلامی - مثل مغرب - دو شبستان برای مسجد می‌سازند یکی برای مردان و دیگری برای زنان.

سازندگان مسینیه‌ها بدانند

۱. وقتی خداوند مهم‌ترین واجبات - مثل نماز و روزه - را از زنان برداشته چه دلیلی برای کشاندن آنان به امور مستحبی داریم.

۲. اگر ساخت مکانی برای زنان حائض نیاز بود چرا پیامبر و ائمه علیهم‌السلام به این فکر نبودند.

۳. هر کاری که انجام آن در این ایام برای زنان جایز نیست در حسینیه و سایر مکان‌ها نیز نباید انجام داد.

۴. اگر بخواهیم به بهانه معذور بانوانی که عذر شرعی دارند حسینیه بسازیم چرا آن را بزرگ‌تر و مجهزتر از مسجد می‌سازیم که اهانت به مسجد محسوب شود.

۵. چرا بعضی سازندگان مساجد به بهانه کسانی که عذر شرعی دارند مقداری از فضا را غیر مسجد قرار نمی‌دهند تا معذورین استفاده کنند و نیازی به ساختمان مستقل و پرهزینه نباشد.

۶. خود بانوان، مسجد را بر حسینیه ترجیح می‌دهند لذا:

الف: در کمک به مسجد بیش از حسینیه اقدام می‌کنند.

ب: نظافت و غبارروبی مسجد را مقدس می‌دانند نه حسینیه و امثال آن را.

ج: در مسجد بیش‌تر حضور می‌یابند و احساس آرامش می‌کنند.

فصل سوم

بررسی دلایل و مستندات مضمور و عدم مضمور

زنان در مسجد

دلایل حضور زنان در مسجد

حضور زنان در مسجد آن چنان دارای اهمیت است که سفارش‌هایی با عبارات گوناگون و مضامین دقیق وجود دارد^{۴۷} که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر مردان را از مخالفت و ممانعت از حضور زنان در مسجد، بازداشتند.^{۴۸}

۴۷. این افزون بر سیره عملی معصومین و مسلمین است که در بحث تاریخچه حضور زنان بدان اشاره کردیم.

۴۸. حضرت در بیاناتی صریح این مطلب را ابراز کرده‌اند: "لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَلَكِنْ لِيُخْرِجَنَّ وَهَنَّ تَفَلَاتٍ". جامع الاحادیث، جلد ۱۶، صفحه ۳۴۵، حدیث ۱۶۹۵۳ و بحار الانوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۵۳، حدیث ۴.

ومن غریب الحدیث: "تفلات": تارکات للطیب. و حدیث "لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُطُوظَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ، إِذَا

اسْتَأْذَنُوكُمْ"؛ همان، حدیث ۱۶۹۵۴ و صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۳۲۶، حدیث ۴۲۲؛ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَزِيدَ الْمُقْرِي، حَدَّثَنَا سَعِيدٌ يَعْنِي ابْنَ أَبِي أَيُّوبَ، حَدَّثَنَا كَعْبُ بْنُ عَلْقَمَةَ، عَنْ بِلَالِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ،

عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُطُوظَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ، إِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ» فَقَالَ

بِلَالُ: وَاللَّهِ، لَنَمْنَعُهُنَّ. فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ: "أَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقُولُ أَنْتَ: لَنَمْنَعُهُنَّ" این حدیث

را بلال - نوه خلیفه دوم - از پدرش عبدالله از رسول خدا نقل می‌کند. بلال بعد از شنیدن این حدیث از زبان

پدرش به او گفت: به خدا سوگند ما به زنان اجازه رفتن به مساجد را نمی‌دهیم. پدرش به او نهیب زد و گفت: ای

دشمن خدا من می‌گویم این مطلب را رسول خدا فرموده است و تو این‌گونه هتاکانه سخن می‌گویی.

همان‌گونه که در روایت بالا دیدیم به زنان امر نشده که برای رفتن به مسجد، اجازه بگیرند ولی به مردان گفته

شده که اگر زنان اجازه گرفتند حق ندارید مانع شوید. روایات مشابه: عَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ -

قَالَ: "إِذَا اسْتَأْذَنَتْ أَحَدَكُمْ إِمْرَأَتُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلَا يَمْنَعُهَا"؛ کنز العمال، جلد ۱۶، صفحه ۴۱۳، حدیث ۴۵۱۷۰ و

عَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "إِذَا اسْتَأْذَنَتْكُمْ نِسَاؤُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلَا تَمْنَعُوهُنَّ" کنز العمال، جلد

۷، صفحه ۶۷۷، حدیث ۲۰۸۷۳.

۲. به مردان دستور می‌دهد که اگر زنان از شما اجازه خواستند شب به مسجد بروند حتماً به آن‌ها اجازه

بدهید: ۴۹

۳. پیامبر برای ورود و خروج زنان در مسجد، دربی ویژه در نظر گرفتند و این بیانگر حضور فعال، مستمر و

چشمگیر زنان در مسجد است. ۵۰

۴۹. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اِذْنُوا لِلنِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ». فَقَالَ ابْنُ لَه:

وَاللَّهُ لَا نَأْذَنُ لَهُنَّ فَيَتَّخِذْنَ دَعْلًا وَاللَّهُ لَا نَأْذَنُ لَهُنَّ. قَالَ: فَسَبَّهُ وَعَضِبَ وَقَالَ: أَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وسلم - «اِذْنُوا لَهُنَّ». وَتَقُولُ: لَا نَأْذَنُ لَهُنَّ؛ سنن ابن داود، جلد ۱، صفحه ۲۲۲، حدیث ۵۶۸؛ صحیح بخاری، جلد

۴، صفحه ۵، حدیث ۸۹۹؛ صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۳۲۶، حدیث ۴۴۲؛ سنن ترمذی، جلد ۱، صفحه ۷۰۹،

حدیث ۵۷۰ و احکام المساجد، جلد ۲، صفحه ۹۲. در این جا نیز دوباره نوه خلیفه دوم وقتی این حدیث را از زبان

پدرش شنید، گفت: زنان از این اجازه دادن‌های ما مردان سوءاستفاده می‌کنند به خدا سوگند هرگز و هرگز ما اجازه

نخواهیم داد و دوباره پدرش با تندی و تیزی پاسخ او را داد.

از این حدیث برمی‌آید اگر اجازه دادن در شب - با آن تاریکی‌ها که در آن زمان وجود داشته و در کوچه‌ها

چراغی نبوده - مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است، به یقین اجازه دادن در روز هیچ معذوری نخواهد داشت.

حدیث مشابه: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: "إِذَا اسْتَأْذَنَ نِسَاءُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَاتَّذَنُوا لَهُنَّ؛

کنز العمال، جلد ۷، صفحه ۶۷۷، حدیث ۲۰۸۷۲ و احکام المساجد، جلد ۳، صفحه ۹۱.

۵۰. عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَوْ تَرَكْنَا هَذَا الْبَابَ لِلنِّسَاءِ» سنن ابی داود،

جلد ۱، صفحه ۱۵۶، حدیث ۵۷۱ و جلد ۲، صفحه ۵۲، حدیث ۳۹۱؛ کنز العمال، جلد ۱۶، صفحه ۴۱۴، حدیث

۴۵۱۷۶ و جامع الاحادیث، جلد ۱۸، صفحه ۱۱۴، حدیث ۱۸۹۹۹.

۴. پیامبر برای خروج زنان از مسجد و در مسیر بیرون از مسجد مقرراتی تعیین کردند.^{۵۱}

۵. گاهی گروهی از زنان در مسجد اختلاط کرده بودند و رسول خدا با شیوه خاصی به آنان بها می‌دادند و سلام

می‌کردند.^{۵۲}

۶. رسول خدا به حضور زنان در مسجد اهمیت می‌دادند و مسائل حفاظتی و امنیتی آنان را نیز مورد توجه قرار

می‌دادند.^{۵۳}

^{۵۱}. حمزه و فرزند ابی اُسَید انصاری از پدرش نقل می‌کند که او در بیرون مسجد بود و دید که زنان و مردان در

مسیر، مختلط شدند، رسول خدا به زنان فرمود: "اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحْتَقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيْكُنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ

«فَكَانَتِ الْمَرَأَةُ تَلْتَصِقُ بِالْجِدَارِ حَتَّىٰ إِنَّ ثَوْبَهَا لَيَتَعَلَّقُ بِالْجِدَارِ مِنْ لُصُوقِهَا بِهِ»؛ سنن ابی داوود، جلد ۲، صفحه

۷۹۰، حدیث ۵۲۷۲.

^{۵۲}. اسماء بنت یزید می‌گوید: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَرَّ فِي الْمَسْجِدِ يَوْمًا وَعُصْبَةٌ مِنَ النِّسَاءِ

قُعُودٌ فَأَلْوَىٰ بِيَدِهِ بِالتَّسْلِيمِ وَأَشَارَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بِيَدِهِ"؛ سنن ترمذی، جلد ۹، صفحه ۳۲۱، حدیث ۲۶۲۱.

^{۵۳}. ام سلمه می‌گوید: "كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَلَّمَ إِذَا سَلَّمَ قَامَ النِّسَاءُ حِينَ يَقْضِي تَسْلِيمَهُ وَمَكَثَ يَسِيرًا

قَبْلَ أَنْ يَقُومَ"؛ صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۳۳۹، حدیث ۷۹۳ و احکام المساجد، جلد ۲، صفحه ۹۵.

حضرت نماز صبح را تا هوا تاریک بود می‌خواندند تا زنان در تاریکی هوا بتوانند به خانه‌های خود باز گردند.

عایشه می‌گوید: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - كَانَ يُصَلِّي الصُّبْحَ بَغْلَسٍ فَيَنْصَرِفْنَ نِسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ، لَا يُعْرَفْنَ مِنَ الْغَلَسِ، أَوْ لَا

يُعْرَفُ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا" صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۴۶۲، حدیث ۸۷۲ و احکام المساجد، جلد ۱، صفحه ۲۰۸.

۷. رسول خدا برخی مواقع از قسمت زنانه مسجد سرکشی و بازدید می کردند.

۸. همراهی و کمک زنان به مردان در مسیر رفتن به مسجد مورد تأیید معصومین علیهم السلام بوده است.^{۵۴}

۹. پیامبر برای نشستن و سجده رفتن زنان آدابی ویژه مقرر کردند و از این آداب برمی آید که زنان در مسجد

حضور می یافته اند و امکان مشاهده آنان توسط مردان نیز فراهم بوده است.^{۵۵}

۱۰. پیامبر برای حضور زنان در جماعت مسجد اهمیت ویژه قائل بودند.^{۵۶}

۱۱. رسول خدا از زنان می خواستند که هنگام رفتن به مسجد خود را معطر نکنند.^{۵۷}

رسول خدا می فرمودند: "خَيْرُ صُفُوفِ الصَّلَاةِ الْمَقْدَمُ وَ خَيْرُ صُفُوفِ الْجَنَائِزِ الْمُؤَخَّرُ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ سِتْرَةٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوْلَاهَا وَ خَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا." مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۴۶۰، حدیث ۷۲۳۸ و دعائم الاسلام، جلد ۱، صفحه ۱۵۴.

۵۴. ابی مریم می گوید: به امام باقر عرض کردم: چه می فرمایید درباره مردی که وضو می گیرد آن گاه از کنیزش می خواهد دست او را بگیرد و به مسجد برساند. برخی از ماها معتقدیم این ملامسه است (و نیاز به غسل جنابت دارد)، حضرت فرمودند: "لَا وَاللَّهِ مَا بِذَلِكَ بَأْسٌ وَ رَبَّمَا فَعَلْتَهُ وَ مَا يُغْنِي بِهَذَا أَوْ لَا مَسْتُمُ النِّسَاءِ إِلَّا الْمَوَاقِعَةُ فِي الْفَرْجِ"؛ وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۲۷۱، حدیث ۷۰۷ و تفسیر العیاشی، جلد ۱، صفحه ۲۴۳، حدیث ۱۳۹.

۵۵. رسول خدا می فرمودند: "إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَتْ فَخْذَهَا عَلَى فَخْذِهَا الْأُخْرَى، فَإِذَا سَجَدَتْ أَصَفَتْ بَطْنَهَا فِي فَخْذِهَا كَأَسْتَرٍ مَا يَكُونُ لَهَا، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَيَقُولُ: يَا مَلَأْتِكِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهَا كَنْزَ الْعَمَالِ، جلد ۷، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۰۲۰۳؛ سنن بیهقی، جلد ۲، صفحه ۴۶۵، حدیث ۳۳۲۴ و جامع الاحادیث، جلد ۳، صفحه ۴۳، حدیث ۱۷۵۹.

۵۶. عایشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: "لَا خَيْرَ فِي جَمَاعَةِ النِّسَاءِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ، أَوْ فِي جَنَازَةِ قَتِيلٍ"؛ مجمع الزوائد و منبع القوائد، جلد ۲، صفحه ۲۳، حدیث ۲۰۳۵.

۵۷. زینب همسر عبدالله ابن مسعود می گوید: "قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسِّي طَبِيًّا"؛ صحیح مسلم، جلد ۱، صفحه ۳۲۸، حدیث ۴۴۳ و صحیح ابن خزیمه، جلد ۳، صفحه ۹۱،

۱۲. رسول خدا بارها با عبارات گوناگون به زنان تأکید می‌کردند به گونه‌ای نماز بخوانند که عورت مردان را نبینند و دلیل آن را تنگی یا کوچکی و کوتاهی شلوار^{۵۸} مردان بر می‌شمردند^{۵۹} و این حاکی از آن است که زنان پشت سر مردان به نماز می‌ایستاده و بین آنان پرده و حایلی نیز وجود نداشته است.

حدیث ۱۶۸۰. در روایتی دیگر همین زینب از رسول خدا نقل می‌کند که می‌فرماید: " إِذَا خَرَجْتَ إِلَى الْعِشَاءِ فَلَا تَمَسَّ طَبِيبًا "؛ سنن نسائی، جلد ۱۶، صفحه ۱۵۶، حدیث ۵۲۷۸.

۵۸. شلوار یا لُنگ و پارچه‌ای که با آن از کمر به پایین را می‌پوشاندند.

۵۹. مراعات به دلایل زیر می‌تواند باشد: الف: کنترل چشم: " يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ إِذَا سَجَدَ الرَّجَالُ فَأَغْضُضْنَ أَبْصَارَهُنَّ

لَا تَرَيْنَ عَوْرَاتِ الرَّجَالِ مِنْ ضَيْقِ الْأُزْرِ. "؛ این می‌تواند خطاب به زنانی باشد که احیاناً نماز نمی‌خواندند و یا ناظر

به جایی است که مردان زودتر به سجده می‌رفتند.

ب: تنظیم رکوع و سجده: " مَنْ كَانَ مِنْكُمْ تَوَمَّنْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَرْفَعْ رَأْسَهَا حَتَّى يَرْفَعَ الرَّجَالُ مِنْ رُؤْسِهِمْ

ضَيْقِ ثِيَابِ الرَّجَالِ. " ^{۵۹}

البته وقتی مردان از پوشش کافی برخوردار باشند و یا بین آنان پرده و حایلی قرار داشته باشد دیگر این‌گونه

مراقبت‌ها لزومی ندارد. لذا در روایاتی از معصومین علیهم السلام به این نکته اشاره ضمنی شده است که این‌گونه

مراقبت‌ها مخصوص دوران رسول خدا و آن هم به دلیل ناکافی بودن پوشش مردان بوده است: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي

قُرْبِ الْأِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ كَلَّهِمْ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا

عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: قَالَ أَبِي: قَالَ عَلِيُّ (ع): كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) وَ كُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُؤُوسَهُنَّ

قَبْلَ الرَّجَالِ لِضَيْقِ الْأُزْرِ؛ وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۴۳، حدیث ۱۰۸۵۸؛ قرب الاسناد، صفحه ۱۰؛ و عَنْ عَبْدِ

۱۳. حضور زنان در مساجد به قدری چشمگیر بوده که مسأله امامت جماعت زن برای زنان و آداب آن مورد سؤال

قرار می‌گرفته است..^{۶۰}

۱۴. در حضور زنان هیچ گونه بحثی از فحشا و منکرات نیست با این که نماز "تنهی عن الفحشاء و المنکر" است.

۱۵. بعضی حضور زنان پیر و یا کم رو را جایز برشمرده و زنان جوان و زیبا را از حضور منع کرده اند که دلیلی

ندارد.

اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ: كُنَّ يُؤْمَرْنَ النِّسَاءُ فِي زَمَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنْ لَا يَرْفَعْنَ

رُءُوسَهُنَّ إِلَّا بَعْدَ الرَّجَالِ لِقِصْرِ أَرْهِنَ؛ مستدرک الوسائل، جلد ۶، صفحه ۵۱۱، حدیث ۴ و علل الشرایع، جلد ۲،

صفحه ۳۴۴، حدیث ۲.

۶۰. هشام بن سالم می‌گوید: از امام صادق درباره امامت زن برای زنان پرسیدم، حضرت فرمودند: "تَوُمُّهُنَّ فِي

النَّافِلَةِ فَأَمَّا فِي الْمَكْتُوبَةِ فَلَا وَ لَا تَتَقَدَّمُهُنَّ وَ لَكِنَّ تَقْوَمُ وَسَطَهُنَّ"؛ وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۳۳۳، حدیث

۱۰۸۲۵؛ من لا یحضره الفقیه، جلد ۱، صفحه ۳۹۶، حدیث ۱۱۷۷ و تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۲۰۵، حدیث

۳۴. منظور از امامت زن در نمازهای نافله (مستحبی) همان خواندن نماز دسته‌جمعی است نه نماز جماعت؛ چون

بنابر مذهب شیعه، خواندن نمازهای مستحبی به جماعت جایز نیست خواه امام جماعت، مرد باشد و خواه زن.

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل می‌کند که از ایشان درباره زنی که امام جماعت بانوان

شده است پرسیدم: "مَا حَدُّ رَفَعِ صَوْتِهَا بِالْقِرَاءَةِ أَوْ التَّكْبِيرِ قَالَ قَدْرُ مَا تَسْمَعُ"؛ وسائل الشیعه، جلد ۶، صفحه ۹۵،

حدیث ۷۴۳۵ و تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۲۶۷، حدیث ۸۱.

۱۶. حتی یک مورد به فلسفه بودن نگاه نامحرم و امثال آن برای منع حضور توجهی نشده است.

۱۷. جواز باز بودن وجه و کفین زنان قهراً ناظر به هنگام حضور آنان در مسجد است تا امام مسجد بدانند چه

کسانی حاضر و چه کسانی غایب هستند.

مستندات منع از حضور

در جوامع روایی، روایاتی داریم که از حضور زنان در مساجد جلوگیری می‌کند. با مهم‌ترین این روایات آشنا

می‌شویم و سپس به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. ام سلمه می‌گوید که رسول خدا فرمود:

خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بَيْوتِهِنَّ.^{۶۱}

.....

۲. باز از ام سلمه نقل شده که رسول خدا فرمود:

صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهَا فِي حُجْرَتِهَا وَ صَلَاتُهَا فِي حُجْرَتِهَا خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهَا فِي دَارِهَا، وَ صَلَاتُهَا فِي

دَارِهَا خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهَا خَارِجاً.^{۶۲}

.....

۳. ام حمید همسر ابی حمید ساعدی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: دوست دارم با شما نماز بخوانم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ تُحِبِّينَ الصَّلَاةَ مَعِيَ، وَ صَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ خَيْرٌ مِنْ

^{۶۱}. کنز العمال، جلد ۷، صفحه ۶۷۶، حدیث ۲۰۸۶۸.

^{۶۲}. کنز العمال، جلد ۷، صفحه ۶۷۶، حدیث ۲۰۸۶۹.

صَلَاتِكَ فِي حُجْرَتِكَ، وَصَلَاتِكَ فِي حُجْرَتِكَ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكَ فِي دَارِكَ، وَصَلَاتِكَ فِي دَارِكَ خَيْرٌ مِنْ

صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ، وَصَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِكَ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِي.^{٦٣}

.....

٤. ابوهريره مى گويد رسول خدا فرمود: لَأَنْ تَصَلِيَ الْمَرْأَةَ فِي دَاخِلَتِهَا أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تَصَلِيَ فِي بَيْتِهَا، وَلَأَنْ

تَصَلِيَ فِي بَيْتِهَا أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تَصَلِيَ فِي دَارِهَا، وَلَأَنْ تَصَلِيَ فِي دَارِهَا أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تَصَلِيَ فِي

مَسْجِدِ قَوْمِهَا، وَلَأَنْ تَصَلِيَ فِي مَسْجِدِ قَوْمِهَا أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تَصَلِيَ فِي مَسْجِدِ الْجَمَاعَةِ، وَلَأَنْ تَصَلِيَ فِي

مَسْجِدِ الْجَمَاعَةِ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ تَخْرُجَ يَوْمَ الْخُرُوجِ.^{٦٤}

.....

٥. حسن بن فضل طبرسى در كتاب مكارم الاخلاق آورده است كه رسول خدا فرمود: صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحَدَا فِي بَيْتِهَا

كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً.^{٦٥}

.....

٦. زياد بن مروان از يونس بن ظبيان نقل مى كند كه امام صادق عليه السلام فرمود:

^{٦٣} . كنز العمال، جلد ٧، صفحه ٧٧٦، حديث ٢٠٨٧٠؛ جامع الاحاديث، جلد ١٥، ص ١٣٢، حديث ١٥١٤٥ و مسند

احمد بن حنبل، جلد ٦، صفحه ٣٧١، حديث ٢٧١٣٥.

^{٦٤} . كنز العمال، جلد ٧، صفحه ٦٧٧، حديث ٢٠٨٧١ و جامع الاحاديث، جلد ١٧، صفحه ٣٠٢، حديث ١٨٢٢٤.

^{٦٥} . بحار الانوار، جلد ٨٠، صفحه ٣٧١، حديث ٣١.

خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ.^{۶۶}

.....

۷. در وصایا و سفارش‌های رسول خدا به حضرت علی علیه‌السلام آمده است که حضرت فرمود:

لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ.^{۶۷}

تملیل و بررسی

گرچه روایاتی که ذکر آن‌ها گذشت، مطلق است و خواندن نماز در خانه را همیشه و همه جا بهتر از مسجد می‌داند ولی با ملاحظه روایاتی که تشویق به حضور زنان در مسجد می‌کرد و نیز سیره عملی زنان مسلمان در زمان رسول خدا، دیگر اطلاق این روایات قابل استناد نیست و این‌گونه روایات ناظر به موارد خاص و مواقع خاص باشد.

بنابراین ممکن است روایات منع‌کننده، مختص به موارد زیر باشد:

۱. جایی که هنوز مسجد نساخته‌اند.

۲. مسجد ساخته‌اند ولی دور است.

۳. مسیر مسجد ناامن است.

^{۶۶}. تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۲۵۳، حدیث ۱۴ و بحارالانوار، جلد ۸۰، صفحه ۳۷۱، حدیث ۳۲.

^{۶۷}. وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۲۹۶، حدیث ۹۳۸۵.

۴. زن، حامله است و یا بچه کوچک یا شرور دارد و رفتن او به مسجد می‌تواند خطرآفرین باشد.

۵. منافات با مراعات حق شوهر دارد و او نیز مانع از رفتن زن است.

۶. زن لباسی که بتواند بدنش را کاملاً بپوشاند ندارد.^{۶۸}

افزون بر موارد مذکور توجه به نکات زیر نیز می‌تواند راهگشا باشد:

۱. ممکن است روایات، ناظر به نمازهای نافله و مستحبی باشد نه نمازهای واجب و چون زنان به ارتباط با

خدا در مکان‌های مقدس غالباً بیش از مردان اشتیاق دارند لذا معصومین از آن‌ها خواسته‌اند در همان خانه

بمانند؛ چرا که حضور زن در خانه، یک اصل اساسی است و تأثیرات تربیتی زیادی دارد و مایه انس و

آرامش اعضای خانواده است.

۲. روایات حضور زنان را حرام و ممنوع نمی‌داند بلکه صرف یک توصیه و پیشنهاد برای کسب ثواب

بیش‌تر است. بنابراین اگر شرایط محیطی و زمانی و مقتضیات زمان و مکان تغییر کند حضور زنان در

مساجد ارزشمندتر از ماندن آن‌ها در خانه می‌شود.

۳. شاید روایات در صدد آن است که تقدس شوهرداری و اهمیت خانه‌داری و تربیت فرزند را به زنان

گوشزد کند. همان‌گونه که در روایت دیگری آمده است: *جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ*؛^{۶۹} جهاد زن، خوب

همسردهی است.

^{۶۸}. اکثر زنان زمان پیامبر چنین بودند.

^{۶۹}. الکافی، جلد ۵، صفحه ۵۰۷، حدیث ۴ و من لا یحضره العقبه، جلد ۴، صفحه ۴۱۶، حدیث ۵۹۰۴.

این روایت هرگز مانع از حضور زنان در جنگ‌ها نیست و در زمان رسول خدا و ائمه علیهم السلام زنان در

جنگ‌ها حاضر می‌شدند و نقش پشتیبانی معنوی ایفا می‌کردند و به مداوای مجروحین نیز می‌پرداختند.^{۷۰}

۴. شاید روایات می‌خواهد مانع از حضور زنانی شود که مشتاق حضور در مسجد هستند ولی لباس کافی

برای پوشش ندارند و از طرفی قدرت اجاره کردن لباس و حتی امکان عاریه گرفتن را هم ندارند. نظیر

افرادی که مشتاق حضور در جبهه جنگ بودند و چون امکانات کافی برای اعزام آنان وجود نداشت،

پیامبر از حضور آنان ممانعت می‌کرد و آن‌ها از این که توفیق حضور در جبهه نصیبشان نشده بود، چون

ابر بهار می‌گریستند.^{۷۱}

بررسی جمله معروف "مَسِجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا"

۱. این جمله در متون روایی - شیعی یا سنی - نیامده است و هیچ‌گونه سند و مدرک روایی ندارد.^{۷۲}

۲. این جمله می‌تواند از روایاتی اخذ شده باشد که خواندن نماز زنان را در خانه بهتر از مسجد می‌داند که

برخی از آن‌ها را برشمردیم.

..... ۷۰

۷۱. قرآن کریم در آیه ۹۲ سوره توبه این صحنه را به زیبایی ترسیم می‌کند و می‌فرماید: "وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا

آتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أُجِدُّ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ"؛ و (نیز)

ایرادی نیست بر آن‌ها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: "مرکبی که شما

را بر آن سوار کنم، ندارم." از نزد تو بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند

که در راه خدا انفاق کنند و با آن به میدان بروند.

۷۲. مراجعه کنید به کتاب صوم آیت الله خویی، جلد ۲، صفحه ۴۱۷؛ شرح لمعه، جلد ۱، صفحه ۵۳۹؛ کتاب حج

آیت الله گلپایگانی، جلد ۲، صفحه ۲۴۰ و عناوین الفقهیة حسینی مراغه‌ای، جلد ۱، صفحه ۴۱۴.

و اما در رد این جمله توجه به مطالب زیر می‌تواند راهگشا باشد:

۱. این سخن و نیز روایاتی که می‌تواند مستند آن باشد، هماهنگ با روایات اهل سنت است و وقتی روایات

فراوانی برخلاف آن داریم و حضور زن در مسجد را جایز بلکه مطلوب و ممدوح می‌داند، طبق قاعده،

روایات و سخنان موافق با اهل سنت را باید کنار بگذاریم.^{۷۳}

۲. در منابع و مصادر خود اهل سنت روایاتی داریم حاکی از این که منع زنان از حضور در مساجد و تشویق

آنان به ماندن در منزل، بدعتی است که از سوی خلیفه دوم گذاشته شد.^{۷۴}

۳. شاید این جمله و روایات درباره نماز فرادای زن باشد که خواندنش در خانه بهتر از مسجد است؛ چون

روایات جماعت، مطلق است و شامل نماز زنان هم می‌شود.

۴. اگر این جمله، درست باشد می‌بایست زنان مکه در خانه‌هایشان نماز بخوانند و ثواب نمازشان بیش از

ثواب نمازی باشد که در مسجد الحرام می‌خوانند در حالی که احدی از فقها چنین مطلبی را نگفته و آن

را قبول ندارد.^{۷۵}

^{۷۳}. روایاتی داریم که به ما می‌گوید: وقتی دو روایت با هم در تضاد بودند روایتی که مخالف با نظر اهل سنت

است را قبول کنید و روایتی را که موافق با نظر آنان است را کنار بگذارید.

^{۷۴}. نافع از ابن عمر (پسر خلیفه دوم) نقل می‌کند که گفت: "كَانَتْ امْرَأَةٌ لِعُمَرَ تَشْهَدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْعِشَاءِ فِي

الْجَمَاعَةِ فِي الْمَسْجِدِ. فَقِيلَ لَهَا: لِمَ تَخْرُجِينَ وَقَدْ تَعْلَمِينَ أَنَّ عُمَرَ يَكْرَهُ ذَلِكَ وَيَعَارُ؟ قَالَتْ: وَمَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْهَانِي. قَالَ:

يَمْنَعُهُ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ" صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۴۲۰،

حدیث ۸۴۹ و مصنف ابن ابی شیبہ، جلد ۲، صفحه ۱۵۶، حدیث ۷۶۰۸ و عمره از عایشه نقل می‌کند که گفت:

"لَوْ أَدْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَدَثَ النِّسَاءُ لَمَنْعَهُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا مَنَعَهُ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ"؛ سنن

ابن داوود، جلد ۲، صفحه ۱۸۰، حدیث ۴۸۲ و صحیح مسلم، جلد ۲، صفحه ۳۴، حدیث ۱۰۲۷.

۵. شاید این جمله همانند جمله "سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمُصَلَّاهُمْ"^{۷۶} باشد یعنی خانه برای زن از نظر تقدس مثل مسجد است نه از همه جهات.

۶. اگر زن برای هیچ یک از امور زندگی از خانه‌اش خارج نمی‌شد، شاید عبارت "مَسْجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا" نسبت به روایاتی که نماز خواندن را در مسجد می‌داند، حکومت داشت و معنا و مفهومش استثنا برای نماز زن از این قانون بود.^{۷۷}

۷. اگر جمله "مَسْجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا" صحیح باشد، زنان باید عمل عبادی اعتکاف را نیز در خانه‌هاشان انجام دهند و حال آن که احدی از فقها چنین مطلبی را تأیید نکرده است.

.....

۷۵. مدارک عروه، جلد ۱۴، صفحه ۶۶.

۷۶. الکافی، جلد ۲، صفحه ۶۶۲، حدیث ۷؛ من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، صفحه ۱۹۹، حدیث ۳۷۵۲؛ تهذیب

الاحکام، جلد ۷، صفحه ۹، حدیث ۳۱ و وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۲۷۸، حدیث ۶۵۴۲.

۷۷. آیا ممکن است بگوییم زن در همه جا باشد فقط نمازش را در خانه بخواند که حرفی بی معناست.

فصل چهارم

اهمیت مضور زنان در مسجد

۱. در طول تاریخ - چه جاهلیت اولی و چه جاهلیت مدرن - زنان، خط مقدم جبهه فرهنگی بوده‌اند.
۲. اگر حادثه‌ای فرهنگی پیش آید، اولین فدائیان، زنان هستند.
۳. اگر زنان در مسجد جمع شوند مطالبی - فرهنگی، اجتماعی و سیاسی - بین آنها رد و بدل می‌شود که بر دانش و بینش آنان می‌افزاید.
۴. مسجد به عنوان مکانی پاک، آسیب‌ها را از زنان دور و خیرات را نثارشان می‌کند.

ممانعت از حضور

وقتی در زمان رسول خدا(ص) که زنها در خانه بودند و کم‌تر بیرون می‌رفتند از رفتن آنان به مسجد ممانعتی نمی‌شد، آیا می‌توان امروزه از حضور آنان در مساجد جلوگیری کرد در صورتی که زنان در بازار و خیابان و در محیط‌های اجتماعی و سیاسی حضور دارند. این گونه ممانعتی:

۱. مصداق ظلم به مسجد و نماز است.^{۷۸}
۲. ضربه‌ای سهمگین بر پیکر جامعه اسلامی است.^{۷۹}
۳. زمینه‌سازی برای تسلط بیگانگان و بروز انحرافات در جامعه است.

پیامدهای ترک حضور

اگر زنان اندیشه ترک حضور را بپذیرند و در مساجد حضوری جدی و چشمگیر نداشته باشند پیامدهای ناگوار فراوانی در پی خواهد داشت:

۱. انحطاط و عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی
۲. افزایش آسیب‌پذیری جامعه
۳. افزایش بدحجابی، بداخلاقی و فساد

۷۸. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ سوره بقره، آیه ۱۱۴.

۷۹. اولین ضربه‌ای که بر پیکر جامعه اسلامی وارد شد جلوگیری از حضور زنان در مسجد بود در حالی که اولین جماعت در اسلام توسط همسر پیامبر - خدیجه کبری - بود.

۴. بی‌خبری از مسائل اساسی جامعه

۵. انزوای سیاسی

۶. تخریب مسجد^{۸۰}

شرط حضور

بعضی حضور زن را به مسائلی چون امنیت، حجاب، جوان نبودن و معمولی بودن^{۸۱} مشروط دانسته‌اند ولی بررسی روایات نشان می‌دهد در همه شرایط حضور زنان در مسجد، امری مطلوب و لازم دانسته شده و بدان ترغیب گردیده است و توجهی به حاشیه‌ها نشده است؛ بدین معنا که حضور در مسجد به قدری ضروری و لازم است که این‌گونه مسائل نمی‌تواند آن را خدشه دار کند چه رسد به آن که مانع حضور زنان در مسجد شود چنانچه امیرالمؤمنین علی علیه السلام با علم به خطر به مسجد رفت و هیچ کس و هیچ چیز دیگری نتوانست مانع وی شود و حضرت زهرا سلام الله علیها با وجود خطر به مسجد رفت و در راه مسجد سیلی نیز خورد.

تمهیداتی برای حضور زنان در مساجد

تأثیر مسجد بر زنان بیش‌تر از مردان است. بنابراین باید تمهیدات لازم برای حضور آنان را فراهم نماییم:

الف: تسهیل حضور

۱. مساجد را کوچک و نزدیک به هم بسازیم تا فاصله آنان تا مسجد کم باشد.

ب: تأمین امنیت

۱. امنیت مسیر مسجد را تأمین کنیم.^{۸۲}

۲. خانواده‌ها - به ویژه همسران و پدران - امنیت روحی بانوان و دختران را فراهم کنند.^{۸۳}

۸۰. چون تعمیر و آبادسازی مسجد به حضور در آن است و عدم حضور تخریب به شمار می‌آید.

۸۱. زیبا نبودن بیش از حد معمول.

۸۲. در درجه اول این وظیفه به عهده حکومت اسلامی است و مردم نیز باید نقش بی‌بدیل خود را ایفا کنند.

۸۳. با اجازه دادن و حمایت و تشویق کردن.

۳. اگر تنها رفتن زنان به مسجد دارای آفاتی است از آنان بخواهیم به صورت گروهی به مسجد بروند و یا مردی آنان را همراهی کند تا با روانی آرام به مسجد بروند
۴. فضای زنانه مسجد امنیت روانی داشته باشد و تاریک و ترسناک نباشد.

۵: توجه و تکریم

۱. خدمات زنان در پذیرایی، نور، فضا و فرش کم‌تر از مردان نباشد.^{۸۴}
۲. به حضور آنان توجه کنیم و در برنامه‌ها آن‌ها را مورد خطاب قرار دهیم.
۳. بخش زنانه مسجد را نزدیک به آب و سرویس بهداشتی قرار دهیم.
۴. به همراه داشتن کودکان و یا حامله بودن زنان را مورد توجه قرار گرفته و میزان توقعات از آنان و خدمت‌رسانی به آنان مد نظر باشد.
۵. از نظر هوا و تهویه مطلوب و مناسب باشد. هوای بعضی از مساجد - به دلیل مرتفع بودن بالکن و جمعیت متراکم - آلوده می‌شود و برای مسجدی‌ها - مخصوصاً زنان باردار - نامطلوب و نامناسب است.
۶. پذیرایی از آنان، کم‌تر و دیرتر از مردان نباشد.
۷. از توانایی‌های آنان در خدمت‌رسانی به مسجد استفاده و از آنان تقدیر و تشکر کنیم.
۸. برای ورود و خروج آنان دربی مجزا و اصلی قرار دهیم نه دربی فرعی.
۹. ورودی زنان به مسجد را بهتر از مردان قرار دهیم نه طولانی و مشکل دار.

آداب حضور زنان

فضایل حضور در مسجد، اختصاصی به مردها ندارد و آداب حضور آنان در مسجد بیش از مردان است. آداب مسجد هم بین زنان و مردان مشترک است لکن برای زنان آداب ویژه‌ای هم وجود دارد که بر اهمیت و ارزش حضور آنان دلالت دارد و هر چه مسئولیت بیشتر، اجر و پاداش هم افزون‌تر خواهد بود.

۸۴. همان‌گونه که خدمات زنان به مسجد بیش از مردان است.

الف: عزم مضبور

۱. لازم نیست از شوهر یا پدر اجازه بگیرند ولی اگر آنان مانع شوند، به مسجد نیایند ولی بکوشند آنان را جذب کنند.
۲. اگر حامله هستند و یا بچه شیرخوار دارند باز هم به مسجد بیایند؛ چون فضای معنوی مسجد در روحیه نوزادان تأثیرات ژرفی می گذارد.

ب: در مسییر

۱. معطر نباشند.
۲. تبختر نداشته و با ناز و خرامان خرامان راه نروند.
۳. پا به زمین نکوبند.
۴. تبرج^{۸۵} نکرده و اسباب جلب توجه نامحرمان را فراهم نیاورند.
۵. در صورت امنیت خاطر، اشکالی ندارد وجه و کفین^{۸۶} آن‌ها باز باشد.^{۸۷}
۶. از کناره‌های کوچه بروند نه از وسط آن.
۷. لباس‌های جاذبه‌دار نپوشند.
۸. آرایش کرده بیرون نیایند و گرنه آن را حتماً از دید نامحرمان بپوشانند.
۹. با مردان مختلط نشوند.

۸۵. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ سوره احزاب، آیه ۳۳.

۸۶. وجه و کفین یعنی صورت و دست‌ها؛ البته دست‌ها تا میچ و صورت همان مقداری که واجب است در وضو شسته شود به شرطی که دست و صورت، خالی از آرایش و زینت باشد.

۸۷. و اما در مسجد و وقت نماز بهتر است وجه و کفین آن‌ها باز باشد تا حضور و غیاب، راحت انجام پذیرد.

۱۰. دیرتر به مسجد بروند و زودتر برگردند؛ زیرا پوشیده‌تر است و شاید برای استقبال از مردانشان باشد و شاید همراه مردانشان میهمانانی باشد.

۵: در مسجد (هنگام نماز)

ایستادن

۱. بهتر است در صف آخر بایستند. شاید این در مورد جاهایی باشد که حائلی وجود ندارد.^{۸۸}
۲. به صفوف مردان، متصل باشند.
۳. از مردان جلوتر نایستند.^{۸۹}
۴. دست‌ها را بغل ران قرار دهند نه جلو آن.
۵. اگر زنی برای زنان، امام جماعت شد، جلو آنان نایستد بلکه وسط صف جلو بایستد.^{۹۰}
۶. محاذات زنان با مردان در مسجدالحرام جایز است.

(کوع)

۱. دست‌ها را بالای زانو قرار دهند و زیاد خم نشوند.
۲. گردنشان را نکشند.
۳. زانو را مقداری جلو بیاورند.
۴. در جاهایی که پرده و حایلی نیست زودتر از مردان به رکوع بروند و دیرتر سر بردارند.^{۹۱}

۸۸. بعضی صف آخر را در نماز میت فرض کرده اند نه در نماز جماعت یومیه.

۸۹. در غیر مسجدالحرام و گرنه در مسجدالحرام اشکالی ندارد.

۹۰. وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۴۰۴.

۹۱. مستدرک الوسائل

مسجد

۱. رانسان قائمه نباشد.
۲. مچ و آرنجشان روی زمین باشد و آرنجشان به پهلوشان بچسبید.
۳. در جاهایی که پرده و حایلی وجود ندارند زودتر از مردان به سجده بروند و دیرتر سر بردارند.^{۹۲}

تشهد

۱. مثل مردان روی پای چپ نشینند.
۲. بلند نشینند.

حالات گوناگون

۱. به شلوار تنگ مردان نگاه نکنند.
۲. صدای آنان به مردان نرسد.^{۹۳}
۳. سمت راست یا چپ مردان باشند نه عقب آنان تا اتصال صفوف بهتر و راحت تر باشد..
۴. هنگام اعتکاف از مجامعت با همسر خود، خودداری کنند.

پرده و حایل در مسجد

تاکنون به سندی راجع به جدایی زنان از مردان در مسجداًنبی در عصر پیامبر دست پیدا نکرده ایم و آنچه گفته شده و می شود استحسانات و یا به انگیزه های پیش گیرانه است که آن هم نیاز به سند دارد و اگر در عصر پیامبر زنان و مردان در مساجد از هم جدا بوده اند، باید اثبات کنیم که این امر، موقت نبوده است. اگر کیفیت حضور زنان در مسجداًالحرام را برای مساجد دیگر الگو قرار دهیم به نتیجه ای دیگر خواهیم رسید.

^{۹۲}. همان.

^{۹۳}. وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۴۰۷.

به هر روی، مسأله جدایی زنان از مردان در مساجد، مسأله کوچکی نیست که بتوانیم بدون سند قوی یا کارِ کارشناسی، به لزوم یا عدم آن نظر بدهیم.

۱. پیامبر تا آخرین لحظه‌های عمر خود اجازه ندادند بین مردان و زنان در مسجد پرده و حایلی قرار دهند با آن‌که لباس زنان و مردان آن زمان با زمان ما متفاوت است.
۲. بعضی از فقها قائل به مانع بودن حائل هستند، لذا بعضی مساجد هنگام اقامه نماز، پرده و حائل بین زنان و مردان را برمی‌دارند.
۳. اکثر آدابی که برای نماز بانوان در مسجد ذکر شده با فرض عدم وجود پرده و حایل معنا پیدا می‌کند.
۴. در مسجد، زمینه گناه و نگاه هوسی و شهوانی کم تر است. لذا محذورات هم کم تر است.
۵. با پوشیده نبودن دست‌ها و صورت زنان، امام جماعت می‌تواند حاضرین را از غائبین تشخیص دهد.^{۹۴}
۶. اثر مطلوب از حضور در مسجد، حضور خانوادگی است؛ همان‌گونه که در مشاهد مشرفه، زیارت خانوادگی خاطرات شیرین و فواید و آثار فراوانی دارد.
۷. در مسجدالحرام - که اعظم و اشرف مساجد و اعمال آن برترین اعمال است - زنان و مردان بدون هیچ محدودیتی در کنار هم قرار می‌گیرند و حتی جلوتر بودن زنان، مانع از صحّت نماز و اعمال آنان نیست.
۸. زن در مسجد می‌تواند معطر و آرایش کرده باشد^{۹۵} ولی مردان حق ندارند به او نگاه کنند.
۹. گرچه حجاب، مهم است اما از نبودن پرده بین زنان و مردان به دست می‌آید که حجاب واقعی مهم‌تر از حجاب ظاهری است.
۱۰. اختلاط زن و مرد در مسجدالحرام و بی‌اشکال بودن تقدم زنان بر مردان در صف‌ها و مخلوط بودن آنان با مردان هنگام طواف، الگوی خوبی برای کیفیت حضور زنان در مساجد دیگر است.
۱۱. تشویق زنان بدحجاب به حضور در مسجد، بهترین زمینه و راهکار برای باحجاب کردن آنان و حفظ عفت جامعه است.^{۹۶}

۹۴. چنانچه در حج، باز بودن وجه و کفین، واجب است.

۹۵. در برخی کشورها زنان - به دلیل آیه "خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ" - در مساجد، آرایش می‌کنند و معتقدند آنچه مذموم است آرایش در بین راه است نه داخل خانه یا مسجد.

در حرم های شریفه که هر دو مدل وجود دارد گر چه مدل جداسازی از جهاتی بهتر است اما مدل اختلاط خانوادگی از نظر روانی و زیارتی امتیازات زیادی دارد از جمله:

۱. زیارت خانوادگی خاطره انگیزتر است.
۲. فضای مقدس مسجد و زیارت بهترین مانع فساد است چنانچه در بعض روایات اشاره شده است.^{۹۷}
۳. اگر فرزندان و نوزادان همراه والدین باشند کنترل و تغذیه و سرویس آنان راحت تر است؛ چون همیار و کمک کار همدیگرند.
۴. بعض زنان یا مردان سالخورده نیاز به همراهی جنس مخالف خود دارند و هنوز هم زنان ویلچری را به قسمت مردانه می آورند.
۵. هنگام ورود و خروج - مخصوصاً در مراسم شلوغ مثل شب های قدر ماه مبارک رمضان - نیاز به وعده گاه و پیدا کردن همدیگر و فرصت سوزی ندارند.^{۹۸}
۶. اثر تربیتی بهتری دارد؛ چون فقط در مسجد همه اقشار و اصناف با هم هستند و تربیت زن بدون مرد و بالعکس نیست.
۷. بهترین ابزار و وسیله جذب کودکان و نوجوانان به مسجد است.
۸. درصد احتمال وقوع هنجارشکنی کاهش می یابد.

۹۶. وقتی بدحجاب در مسجد در جمع بانوان باحجاب قرار می گیرد و مخصوصاً با نبودن پرده و حایل از عدم نگاه هوس آلود مردان و فرو خواباندن چشم های آنان به اهمیت و ارزش حجاب پی می برد.

۹۷. مثل روایاتی که می گوید گناه انجام فلان عمل مثل گناه زنای با مادر در مسجد الحرام است و این افزون بر بیان بزرگی گناه آن عمل می تواند اشاره کننده به نادرالوقوع بودن انجام چنین فحشایی در آن مکان مقدس هم باشد.

۹۸. در بعض مساجد شهرستان ها - مخصوصاً در شب های قدر - خانوادگی می نشینند و نتایج خوبی هم داشته است.

آسیب های جدایی قسمت زنانه از مردانه در مساجد

۱. زن و مرد کم حوصله شده و کم تر در مسجد حضور می یابند.
۲. نیاز به وعده گاه زمانی و مکانی دارند که بسیار مشکل است و فرصت ها را از دست می دهند.
۳. در ضرورت ها ارتباط تلفنی مشکل و ناامنی روانی ایجاد می شود.
۴. حضور کودکان همراه مادران یا پدران به تنهایی مشکلاتی را به همراه دارد.
۵. آسایش و آرامش لازم برای اعضای خانواده فراهم نمی شود.
۶. گاهی موارد قسمت زنانه از مردانه به گونه ای جداست که اصلاً حضور خانوادگی ممکن نیست.
۷. هر چه ما محدودیت نابجا بیش تر ایجاد کنیم هنجارشکنی نیز زیاده تر می شود.

موانع حضور زنان

الف: نامناسب بودن قسمت اختصاصی بانوان

۱. عقب مسجد قرار دارد.
۲. نور و روشنایی کافی ندارد.
۳. فرش مناسب ندارد.
۴. مساحت آن کم تر از قسمت مردان است با آن که جمعیت آنان کم تر نیست.
۵. آینه ای جهت بررسی وضعیت حجاب بانوان وجود ندارد.
۶. قسمت هایی از مسجد که پله دارد یا بالکن است به زنان اختصاص داده می شود.
۷. بلندی بالکن، موجب آلودگی هوای قسمت زنان مستقر در آن شده و کم حوصلگی و اضطراب را به ارمغان می آورد.

۸. اگر بخشی از ساختمان، حکم مسجد نداشته باشد زنان را در همان مکان، جای می‌دهند و از فضیلت حضور در مسجد محرومشان می‌کنند.
۹. دسترسی به آب کم تر دارند در حالی که زنان برای کودکانشان به آب شرب و دستشویی نیاز دارند.
۱۰. وضوخانه دستشویی‌ها - که اغلب موارد، بوی بد دارد - کنار قسمت زنانه قرار دارد و بوی بد، زنان را آزار می‌دهد.
۱۱. حاشیه شبستان یا مسجد را به زنان اختصاص می‌دهند لذا صفوف آنها نامنظم است.

ب: عدم توجه کافی به بانوان در خدمت(سانی)

۱. زنان بیش از مردان به مسجد خدمت می‌کنند ولی از خدمات کم تری بهرمنندند.
۲. دیرتر از مردان، پذیرایی می‌شوند.
۳. هنگام کمبود جا، زنان را بیرون از مسجد جای می‌دهند.
۴. در بعضی موارد، وضعیت صوت در قسمت زنانه مناسب نیست.
۵. بعضی از مؤذن‌ها^{۹۹} و خادمان، حقوق زنان را مراعات نمی‌کنند.

ج: عدم توجه کافی به بانوان در برنامه‌ها

۱. منبری‌ها زنان را نمی‌بینند.
۲. زنان مورد خطاب منبری‌ها نیستند.
۳. خانم‌های مسجدی، دختران نوتکلیف را - آن‌گونه که باید - تحویل نمی‌گیرند.

^{۹۹} چون زنان حساس‌تر از مردان هستند، صدای ناهنجار برخی مؤذن‌ها آنان را می‌آزارد و نسبت به حضور در مسجد کم رغبت می‌گردند.

۴. زنان دوست دارند بیش تر در مسجد بمانند ولی درهای مسجد را زود می‌بندند و فرصت کافی برای معارفه و احوالپرسی به آنان نمی‌دهند.
۵. مردان اذکار نماز را بلند می‌گویند و موجبات حواس‌پرتی زنان را فراهم می‌آورند.^{۱۰۰}
۶. به سؤالات بانوان توجه شایسته نمی‌شود و جواب کافی ارائه نمی‌گردد.
۷. حوصله و فرصت بانوان در نظر گرفته نمی‌شود.
۸. ازدحام مردان گرد امام مسجد مانع دسترسی بانوان به ایشان و موجب تحقیر آنان می‌شود.^{۱۰۱}

مبذ زنان به مسجد

اگر زنان در جامعه زنان ارزش نداشته باشند، جامعه ای در کار نخواهد بود. متأسفانه در اکثر مساجد حضور زنان چندان جدی گرفته نمی‌شود و اراده‌ای جهت مانع زدایی از حضور آنان و جذبشان وجود ندارد.

الف: جاذبه‌های مدیریتی

۱. در جمع خدمتگزاران مسجد، یک زن وجود داشته باشد.
۲. در گروه مشاوران امام جماعت، زن هم باشد تا امام اطلاعات لازم در زمینه حضور بانوان و مسائل مرتبط به آن را کسب کند.
۳. نظافت و غبارروبی و جاذبه‌دار کردن مسجد به زنان سپرده شود.^{۱۰۲}

^{۱۰۰} چون زنان باید اذکار را آهسته بگویند، صدای بلند مردان مزاحم آنها می‌شود در صورتی که اگر آنان هم می‌توانستند اذکار را بلند بگویند این‌قدر حساسیت ایجاد نمی‌شد.

۱۰۱. لذا زنان در صدر اسلام از این بابت به پیامبر شکوه کردند و از آن حضرت خواستند روزی را به ایشان اختصاص دهد، آن حضرت پذیرفتند و در آن روز به موعظه آنان پرداختند و دستورات لازم را به ایشان فرمودند. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَتِ النِّسَاءُ لِلنَّبِيِّ (ص): غَلَبْنَا عَلَيْكَ الرَّجَالَ فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا مِنْ نَفْسِكَ فَوَعَدَهُنَّ يَوْمًا لِقَاهُنَّ فِيهِ فَوَعظَهُنَّ وَأَمَرَهُنَّ؛ الطرائف، جلد ۱، صفحه ۲۱۹، حدیث ۳۱۶.

۱۰۲. مسجد محل زیبایی‌هاست و زنان چون مظهر جمال خداوندند، زیبایی‌های مسجد را بهتر درک می‌کنند و در زیباسازی و جاذبه‌دار کردن مسجد نقش بی‌بدیلی دارند.

۴. اداره قسمت زنان - از نظر هزینه و نگهداری - با خود آنان باشد تا رقابت و مسابقه در بین آنان ایجاد شود.

۵. آشپزخانه مسجد به زنان سپرده شود.^{۱۰۳}

ب: جاذبه‌های برنامه‌ای

۱. منبر در معرض دید زن‌ها باشد.

۲. در خطابه‌ها زنان هم مورد خطاب قرار گیرند و مباحث خاص آنان نیز ارائه گردد.

۳. امام جماعت بانوان، مرد باشد نه زن.

ج: جاذبه‌های خدماتی

۱. امکانات مسجد - از فرش، نور، وسایل سرمایشی و گرمایشی و... - بین مردان و زنان به‌طور عادلانه تقسیم شود.^{۱۰۴}

۲. در پذیرایی و سایر خدمات، زنان با مردان هماهنگ باشند نه عقب‌تر.

۳. در قسمت راست و چپ مردان برای زنان جا در نظر گرفته شود نه پشت سر مردان تا اتصال صفوف به راحتی برقرار شود و نیز زنان احساس جدایی نکنند.

۴. قسمتی به عنوان مهد کودک در نظر گرفته شود تا بانوان خیالشان آسوده گردد و مردان نیز از شلوغی و سر و صدا و مزاحمت‌های بچه‌ها در امان باشند.^{۱۰۵}

۵. زنان را در بخش‌هایی از مسجد که پله دارد جا ندهند.^{۱۰۶}

^{۱۰۳}. چون در جاهایی که آشپزخانه مسجد در اختیار زنان است (مثل شمال کشور) غذاها از نظر کمی و کیفی بهتر است.

^{۱۰۴}. فرش کهنه، تهویه نامطبوع، عدم روشنایی کافی و نامطلوب بودن وضعیت دما، نباید به بخش بانوان اختصاص داده شود.

^{۱۰۵}. همان‌گونه که رسول خدا(ص) در مسجدالنبی، قسمتی را به عنوان «روضه الصبیان» اختصاص داده بودند.

^{۱۰۶}. چون بانوان معمولاً بچه به همراه خود دارند و یا حامله و یا بیمار هستند و پله برایشان مشکل‌آفرین است مگر اینکه پله برقی باشد یا آسانسور تعبیه شود.

۶. در صورت لزوم حایل بین زنان و مردان، آن حایل:
- شیک و زیبا باشد مثل شیشه مات.
 - کشویی باشد تا در بعضی اوقات برداشته شود.
 - اگر پارچه‌ای است قسمت پایین آن چوبی یا آهنی باشد تا هم قابل تکیه دادن باشد و هم باد آن را جابه‌جا نکند و از رفت و آمد بچه‌ها از زیر پرده نیز جلوگیری شود.
۷. زنان در بالکن مسجد جای داده نشوند و در صورت اضطرار، بالکن، مشبک باشد تا بتوانند از بین شبکه‌ها امام جماعت را ببینند.
۸. از بیرون مسجد تا محراب، راهرویی که حکم مسجد ندارد، تعبیه شود تا زنان معذور اگر سؤالی داشتند بتوانند نزد امام جماعت بیایند.^{۱۰۷}
۹. درب ورودی زنان و مردان یکسان باشد؛ نه این که درب مردها، اصلی و درب زن‌ها، فرعی و با فاصله باشد.
۱۰. درب ورود و خروج بانوان، مجزا و جدا باشد.
۱۱. وضوخانه زنان به گونه‌ای باشد که زنان بدون چادر و جوراب بتوانند به راحتی وضو بگیرند.
۱۲. مسیر وضوخانه تا قسمت بانوان به گونه‌ای باشد که در دید مردان نباشد و زنان بتوانند بدون چادر و جوراب به آن‌جا بروند و پس از وضو گرفتن با امنیت خاطر بدون مراعات حجاب بازگردند.

هشدارها

۱. تا وقتی که حضور زنان در مساجد، روان‌سازی و مورد تشویق قرار نگیرد مباحثی همچون عفاف و حجاب در جامعه نهادینه نمی‌شود و از فحشا، طلاق، تأخیر در ازدواج، بزهکاری و اعتیاد جلوگیری نمی‌گردد و مسأله زنان بی‌سرپرست نیز همچنان به عنوان یک معضل اجتماعی باقی خواهد ماند.
۲. گسترش جلسات زنانه در خارج مساجد و نیز ساخت مکان‌هایی نظیر فاطمیه و زینبیه نه تنها مشکلی را حل نکرده که بر حجم مشکلات افزوده است.

^{۱۰۷} در مساجد قدیم چنین مکان‌هایی فراهم بوده است.

۳. اولین کسی که مانع حضور بانوان در مسجد شد، خلیفه دوم با همکاری عایشه بود و این بدعت همچنان گریبان جوامع اسلامی - حتی شیعیان - را می‌فشارد و برای مبارزه با این تفکر تلاش شایسته‌ای صورت نگرفته است.

۴. چنانچه تجربه ثابت کرده تأسیس حوزه علمیه خواهران، جامعه‌الزهره و بسیج خواهران و خروج زنان برای غیر مسجد مثل ادارات و ارگان‌ها - و حتی آموزش و پرورش و گرفتن مدارک عالی و حضور در مدیریت کشور و سازمان ملی زنان - نتیجه‌ای بایسته، نصیب ما نکرده و همچنان خانواده گسسته و روابط خانوادگی و اصالت خانواده در معرض انهدام است و ضربه آن از محاصره اقتصادی و سیاسی و حمله نظامی کم‌تر نیست؛ چرا که جستجو کردن کارکردهای مسجد در مراکز دیگر نه سندی دارد و نه تجربه‌ای آن را تأیید کرده است. و اگر یک نماز در مسجد بهتر از چهل سال عبادت در خانه است قهراً تربیت در مسجد هم‌چنان ارزشی را دارد ولی تاکنون کسی و مدرکی ثابت نکرده که نماز در غیر مسجد - حتی در اماکن مذهبی - دو برابر باشد.^{۱۰۸}

۵. انحراف از آن‌جا نشأت می‌گیرد که زنان در بازار و خیابان و دانشگاه و امثال آن حائل ندارند و فقط در مسجد باید پشت پرده باشند و ای کاش به این بسنده می‌شد. در حالی که مسجد بهترین جا و بهترین اجتماع است، زنان همواره مورد تحقیر و توهین عملی قرار می‌گیرند در حالی که زنان بدحجاب در همه جا با استقبال بهتری مواجه می‌شوند.

۶. امروزه اهل سنت هم که از قدیم الایام از حضور زنان در مسجد جلوگیری می‌کرده‌اند، در این مسأله تجدید نظر کرده و کم‌تر از حضور زنان در مساجد جلوگیری می‌کنند بلکه در دهه گذشته هر جا مسجد جدیدی می‌سازند برخلاف سنت خود، جایگاه زنانه هم برای آن می‌سازند.

آیا با این وجود جا دارد برخی از ما شیعیان هنوز در فضیلت حضور زنان در مساجد تردید داشته باشیم و بدان ترغیب نکنیم؛ ادامه این روند ممکن است باعث آن گردد که در آینده از اهل سنت هم عقب بمانیم.

۱۰۸. البته حرم پیامبر و ائمه معصومین حکم مسجد را دارد و بلکه پاداش آن بالاتر از مسجد است.

۷. اسلام از آغاز، دینی بود که ملاک برتری انسان‌ها را به تقوا دانست نه به جنسیت^{۱۰۹} و زنان را در

رفتن به عالی‌ترین و معنوی‌ترین جایگاه‌های زمین - یعنی مساجد- آزاد گذاشت، حال اگر ما مانع

شویم ممکن است در نگاه دیگران خدشه‌ای به اصل اسلام و تعالیم مترقی آن وارد آید و ما فردای

قیامت مسئول خواهیم بود.

۱۰۹. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ سوره حجرات، آیه ۱۳.

بفش دوه

مضور كودكان در مسجد

فصل اول

اهمیت مضور کودکان

در مسجد

مسجد حلقه اتصال نسل گذشته و آینده است و همه از قبل تولد تا بعد از مرگ با مسجد ارتباط دارند. لذا از جنینی که در رحم مادر است تا سالخورده، همه حق حضور در مسجد را دارند و نمی‌توان بی‌جهت مانع حضور بعضی از آنان در مسجد شد.

حضور کودکان و نوجوانان در مسجد مورد توجه ویژه قرار گرفته است^{۱۱۰}؛ چرا که:

۱. یکی از حقوق کودکان بر والدین، حق تربیت دینی - نه از تولد که حتی قبل از انعقاد نطفه - است و از ارکان تربیت، فضای مناسب (مسجد) است؛ چرا که فرزند حتی زمانی که در رحم مادر است در حال تأثیرپذیری از محیط پیرامون خود است. لذا حضور زنان حامله در فضاهای مثبت و منفی سبب اثرات آن بر جنین می‌شود. از این رو امکانات حضورشان را مهیا کنیم.
۲. کودکان در مسجد علاوه بر اجتماعی شدن و آموزش آداب اجتماعی، احکام و آداب نماز و عبادت را فرا می‌گیرند؛ چراکه کودکان - حتی در حال بازی - فراگیری دارند.

لذا مسجد، "کودکستان" نیست ولی در تربیت کودکان بی‌بدیل است و این را بدانیم که "باشگاه جوانان" و "آسایشگاه سالمندان" هم نیست بلکه "وُضِعَ لِكَاْفَةِ النَّاسِ" و "هُدًى لِّلنَّاسِ" و "قِيَاماً لِّلنَّاسِ" و "سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ" است. مسجد خانه همه است از پیر و جوان، زن و مرد، کودک و نوجوان و جوان و میانسال و بزرگسال.

استقبال از حضور کودکان

۱. سیره پیامبر گرامی استقبال از حضور کودکان در مسجد است:

الف) ایجاد روضة الصَّبِيَانِ (باغ کودکان) به دستور پیامبر در مسجد پیامبر(ص) که پیام‌ها دارد از جمله:^{۱۱۱}

۱۱۰. عناوین ناظر به کودک در روایات و عبارات فقهی علما عبارتند از: ولید، صبی، رضیع، طفل، ولد، غلام، مولود، فتی، صغیر، فتاة، جمیلة، وصیف، مردی، مخدع، محشوش، لکع، غدوی، سلیخه، محول و مودن.

۱۱۱. الدَّورُ الْمَسْجِدُ فِي التَّرْبِيَةِ، صفحه ۱۲۸ - ۱۳۲.

* توجه پیامبر به کودکان و شخصیت دادن به آنان.

* توجه به تأثیر نفس کشیدن و حضور آنان در مسجد.

* تحمل کارهای کودکان.

* تحمیل نکردن عبادات به کودکان.

(ب) همراه بودن نوزادان و کودکان با مادران در مسجدالنبی و زشت نبودن آن.

(ج) اختصار نماز جماعت پیامبر به دلیل گریه کودک تا مادران کم تر اضطراب داشته باشند.^{۱۱۲}

متأسفانه بعضی ائمه جماعات وقتی نوزادی گریه می کند نماز را طولانی می کنند که موجب اضطراب والدین نوزاد و تنفر عمومی اهل مسجد نسبت به آن والدین می شود.

(د) استقبال پیامبر(ص) از مادران بچه دار در مسجد به طوری که گاهی بچه آن ها را می گرفت و نگه می داشت و در تاریخ آمده بچه در دامن پیامبر ادرار کرد و مادر او ناراحت شد و پیامبر فرمود: بگذار ادرارش تمام شود.

۲. وقتی پیامبر(ص) مشغول نماز بود حسنین (ع) بر دوش حضرت سوار می شدند و حضرت سجده نماز را

طول می داد تا بازی آن ها به هم نخورد و طوری بر می خاست که به زمین نخورند.^{۱۱۳}

۱۱۲. إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يَوْمٍ أَصْحَابَهُ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ. من لا يحضره الفقيه، جلد ۱،

صفحه ۳۹۰، حدیث ۱۱۵۵ و وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۱۰۶۶.

۱۱۳. باید به رسول خدا اقتدا کنیم؛ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ

ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ سوره احزاب، آیه ۲۱.

بنابر این بغل گرفتن کودکان، به پشت کشیدن و حتی شیر دادن آنان در حال نماز به صحت نماز، خدشه ای وارد نمی کند.

دلایل اهمیت مضمون

۱. اگر مانع حضور کودکان - به ویژه شیرخوارگان - در مساجد شویم، ناخواسته از حضور مادران همراه در مساجد جلوگیری کرده ایم و در نتیجه جمع کثیری از بانوان را از مسجد بازداشته ایم؛ چه این که خانم ها در بهترین سنین عمر خود یا حامله اند یا شیرده اند و یا مراقب کودکان اند و این با اهداف اسلام در باره مسجد - چنانکه گفته شد - هماهنگی ندارد؛ چرا که خداوند مسجد را مخصوص مردان و بزرگان قرار نداده است.
۲. کودکان و نوجوانان هدف دشمنان بوده و هستند. بهتر است با فراهم آوردن زمینه های حضور آنان در مسجد آنان را باور و یاریشان کنیم.
۳. خاطرات خوش دوران کودکی سرمایه گرایش ها و انتخاب های دوران جوانی است. با استقبال از کودکان و نوجوانان در مسجد، خاطرات خوشی در ذهن آنان ترسیم کنیم.
۴. از مؤثرترین و آسان ترین شیوه های تربیت کودک آن است که پدران و مادران آنان را همراه با خود به مسجد ببرند؛ نه این که خود به تنهایی به مسجد بروند؛ چرا که باعث دلگرمی خاصی برای آنان می شود، خصوصاً اگر آنان ترغیب عملی و تشویق هم بشوند.
۵. کودکان و نوجوانان حتی در حال بازی تأثیر می پذیرند. لذا حضور آنان در مسجد لزوماً به معنای آرام بودن و حضور در عبادت جمعی نیست.
۶. کودکان، غیرمستقیم و به تدریج با نماز و احکام جماعت و تمام معارف دینی آشنا می شوند.
۷. چون مسجد تنها مرکزی است که والدین و فرزندان باهم حضور پیدا کرده و باهم تربیت می شوند و مخصوص قشر خاصی نیست و قشر خاصی در مسجد حق امتیاز ندارد قهراً تربیت فراگیر می شود.
۸. حضور کودکان در مسجد در کنار بزرگان باعث می شود احساس بزرگی و مسئولیت بکنند به شرط اینکه آنان را به حاشیه نرانیم و خدای ناکرده توهین و تحقیرشان نکنیم.

۹. فراگیری آداب اجتماعی و آیین شهروندی و معاشرت در مسجد بهتر و عمیق تر و دقیق تر از مراکز دیگر - حتی از مدرسه و کودکانستان - است.
۱۰. هنوز مهدکودک و مدرسه نتوانسته جای مسجد را پرکند.
۱۱. آینده نیک کودکان در گرو پیوند امروز آنان با مسجد و اهل مسجد است.
۱۲. فرزندان مسجدی بهتر از دیگر فرزندان، احترام پدر و مادر را دارند.
۱۳. تربیت فرزند بهترین باقیات الصالحات است و این امر مهم بدون حضور آنان در مسجد به خوبی محقق نمی شود.

فصل دوم

وظایف بزرگ‌ترها در قبال کودکان

الف) باورها

۱/ توجه به توانایی ها

۱. کودکان حتی وقتی که نمی‌توانند حرف بزنند درک سریع و عمیق دارند.^{۱۱۴}
۲. کودکان در حین بازی از پیران و بزرگان که توجه می‌کنند گیرندگی بیش تری دارند حتی در ایام شیرخوارگی.

۲/ جایگاه بی بدیل مسجد

۱. مسجد هرچه باشد، از مراکز دیگر برای کودکان بهتر است.
۲. اگر کودکان را از مسجد برانیم درخانه های تیمی و مراکز فساد از آنان استقبال خواهد شد.
۳. مراقب باشید به نام مسجد کودکان را به جاهای دیگر نبرند.
۴. هیچ مدرسه ای و پارک و سینمایی برای کودکان، مسجد نخواهد شد.
۵. مدارس و صدا و سیما برای کودکان ما پدر و مادر و مسجد نه شده اند و نه خواهند شد.
۶. اگر ما کودکانمان را درمسجد احترام نکنیم، درمراکز دیگر آن ها را احترام کرده و آنان را گمراه خواهند کرد.
۷. اکتفا به مدرسه و خانه نکنیم؛ چون فضای مسجد اثرات تربیتی فراوانی دارد.
۸. اگر الآن سعادت دارید که اهل مسجدید؛ به دلیل آن است که درکودکی درمسجد حضور داشته و احیاناً کارهای کودکانه می‌کرده اید.

۱۱۴. قَالَ عَلِيُّ (ع): أَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ؛ كُنز الفوائد، جلد ۱، صفحه ۳۱۹ و مرآة العقول فی شرح

أخبار آل الرسول، جلد ۴، صفحه ۳۰۶.

۱۳ / مصونیت بفشی

۱. حضور کودکان در مسجد ریشه انحرافات و تندی‌های آنان را در جوانی می‌سوزاند و تمایل آنان را به انحراف کم می‌کند.
۲. حضور کودکان در مسجد میل به منکرات را در آنان کاهش می‌دهد و در نتیجه امنیت اخلاقی در خانه و جامعه افزایش می‌یابد.
۳. اگر کودکان را جذب مسجد نکنیم، دیگران آنان را جذب می‌کنند و ما با مشکلات جدی رو به رو خواهیم شد.
۴. کودکان و نوجوانان هدف دشمنان بوده و هستند. بهتر است با فراهم آوردن زمینه‌های حضور آنان در مسجد آنان را بیمه کنیم.
۵. حال که کودکان و نوجوانان بیش تر هدف دشمنند؛ اگر ممکن است برای آن‌ها به مسجد بروند. (همراه آنان بروند نه این که آن‌ها را همراه خود ببرند)
۶. توجه داشته باشیم اگر کودکان در مقابل ما فعالیت و بازی کنند بهتر از آن است که در خارج مسجد بازی و به دور از چشم ما کارهای بچه گانه کنند.

۱۴ / آینده سازی

۱. کودکان امروز، پدرها و مادرها و از مسئولین آینده جامعه‌اند.
۲. آینده کودکان مسجدی، روشن تر و درخشان تر است.
۳. فرزند مسجدی بهترین وارث و مصداق باقیات الصالحات است.
۵. اگر ما فرزندان خود را مسجدی تربیت کنیم ما را در سنین پیری رها نخواهند کرد و بهترین کمک کار و پرستار ما خواهند بود.^{۱۱۵}

۱۱۵. فرزندان غیر مسجدی تعهد و مسئولیت‌پذیری کم تری دارند و در مقابل خداوند - آن گونه که شایسته است - مسئولیت نمی‌پذیرند بنابراین در قبال پدر و مادر نیز قهراً مسئولیت‌پذیر نیستند.

۶. فرزندان مسجدی ما بعد از ما بیشترین دعا را برای ما خواهند داشت؛ چون در هیچ مکانی مثل مسجد به یاد اموات و والدین نیستند.

۵/ تربیت آسان و بهینه

۱. همانگونه که به فکر غذا، پوشاک و آینده فرزندانمان هستیم، به فکر تربیت و تدین آنها هم باشیم و این در مسجد آسان و در غیرمسجد محال یا نزدیک به محال است.
۲. تربیت فرزندانمان بهتر از تربیت خودمان باشد، نه مثل خودمان یا بدتر از خودمان.
۳. مدرسه، خانه و سایر مراکز تربیتی کودکان کافی نیست و خلأ مسجد را پر نمیکنند. مسجد آثار تربیتی کامل و عمیقی بر کودکان میگذارد.
۴. اگر کودکان در مسجد مقابل چشم پدر یا مادر بازی کنند، بهتر از آن است که دور از نظارت آنان دست به کارهای دیگر بزنند.
۵. اگر پدران و مادران، ما را در کودکی به مسجد نبرده بودند، معلوم نبود اکنون در چه وضعیتی قرار داشتیم. پس شایسته است ضمن دعا برای آنان، زمینه دعای خیر برای خودمان و فرزندانمان را فراهم کنیم. کودکان مسجدی امروز در بزرگسالی به یاد خوبیهای ما خواهند بود و دعای خیر آنان در حیات و ممات، زمینه جلب رحمت الهی برای ما خواهد شد.
۶. اگر به دلیل نواقص و کمبودهای برخی مساجد، کودکانمان را از مسجد بازداریم دچار خسران شده ایم؛ چرا که مسجد هر چه باشد از جاهای دیگر بهتر است.
۷. قرار گرفتن کودکان در بین صفوف بزرگ ترها حتی صف اول احساس خودباوری و بزرگی به کودکان می دهد و بهترین شیوه تربیت است.
۸. مسجد محل ادب سازی است، حضور کودکان در مسجد میل به منکرات را کم می کند.

(ب) (اهاکاها)

۱/ شفصیت دادن

۱. کودکان را در مسجد مخاطب قرار دهیم تا احساس کنند در مسجد فرع و تابع نیستند بلکه اصل هستند.

۲. اگر رهبران فردا از کودکان امروزی مسجد نباشند چه خواهد شد.
۳. انرژی کودکانه به دلیل تحيرواضطراب است ولی مسجد به کودکان هدف و آرمان می دهد.
۴. فقهای شیعه در امامت کودکان بحث کرده و کثیری از آنان قائل به صحت امامت آن ها شده اند.
۵. کسانی را که در کودکی، آن ها را به مسجد برده یا در مسجد احترام کرده دعا کنند؛ چون اگر آن ها را طرد کرده بودند الان مسجدی نبودند.
۶. کودکان را در صفوف بین خود جای دهند حتی در صف اول.^{۱۱۶}
۷. به کودکان در مسجد مسئولیت بدهیم تا احساس کنند می توانند.
۸. کودکان را همراه خود به مسجد ببریم نه این که آن ها را تنها به مسجد بفرستیم و در مقابل کودکانی که با پدرآمده اند احساس حقارت کنند.
۹. آن ها را به امام و خادم معرفی کرده و از آن ها تعریف و تجلیل کنیم.
۱۰. حضور کودکان را بر خود مقدم بدانیم یعنی اگر لازمه مسجد رفتن کودکان، مسجد نرفتن ما باشد - بدین معنا که یا باید آن ها بروند یا ما - در این صورت فرزندان را بر خود مقدم بداریم. متأسفانه ما در امر غذا و پوشاک، فرزندان را و در امر حضور در مسجد خود را مقدم می داریم.
۱۱. در ورود و خروج و مکان برای نشستن، کودکان را بر خود مقدم بداریم، نه خود را بر کودکان.
۱۲. بعد از نماز با آن ها مصافحه و به آن ها دعا کرده، و اگر کودکان خواستند زودتر به خانه برگردند با آن ها موافقت کنیم؛ چون در زیارت مسجد، رفتن شرط است نه ماندن زیاد. لذا چند لحظه هم بمانند کافی است و لازم نیست زیاد بمانند تا ملول شوند.
۱۳. این که خود ما رفیق کودکانمان باشیم بهتر از آن است که دیگران رفیق آن ها بشوند.

۲/ (لما ظرفیت ها

۱. کودکان را در مسجد زیاد نگه نداریم؛ آن ها همچون بزرگ ترها حوصله ندارند.
۲. ظرفیت و تحمل کودکان را در نظر داشته باشیم.
۳. کودکان را در تنگنا قرار ندهیم و آنان را معطل نکنیم.

^{۱۱۶} . لا تؤخروهن عن الصف الاول).....

۴. اگر خدای ناکرده نماز یا مراسم طول می کشد لازم نیست هر دو نماز را حضور داشته باشیم. به یک نماز بسنده کنیم و یا مقداری از مراسم را حضور داشته باشیم تا کودکان همراه ما دلزده نشوند.
۵. مراقب دخترانمان باشیم؛ چون دختران در مقایسه با پسران، زودرنج تر و حساس تر هستند.

۳/ مدیریت هوشمندانه

۱. کودکان را همراه خود به مسجد ببریم و آنان را زیر نظر داشته باشیم.
۲. در امور کودکان، تنگ نظر نباشیم.
۳. مسئولیت انتظامات کودکان را به افراد میانسال، صبور و خوش اخلاق بسپاریم.
۴. به کودکان مسئولیت بدهیم و آنان را در انجام کارهای مسجد سهیم کنیم.
۵. کودک را از جایی که در مسجد برای خود انتخاب کرده، بلند نکنیم؛ چون جای او غصب محسوب می-شود و نماز و نشستن در آن خالی از اشکال نیست.
۶. دختر بچه‌ها را بیش از پسر بچه‌ها مورد توجه و محبت قرار دهیم؛ چرا که دختران عاطفی تر و زود بالغ تر از پسران هستند.
۷. کلاس آموزشی برای کودکان خوشایند نیست. پس برای آنان کلاس آموزشی نگذاریم و بیش تر با آنان معاشرت و گفتگو کنیم.
۸. امتیازات کودکان بر اساس حضور باشد، نه خلاقیت و هوش و حافظه تا عده‌ای که از هوش و حافظه کافی برخوردار نیستند، دلزده نشوند.
۹. هنگام برپایی نماز جماعت، کودکان را بین بزرگ‌ترها در صفوف - حتی صف اول - قرار دهیم و آنان را به عقب نرانیم چون:

الف: دلیلی بر این کار نداریم.

ب: کودکان آزرده خاطر می‌شوند و به جای آنکه دل‌بسته و جذب مسجد شوند از مسجد فراری می‌شوند.

ج: همه کودکان در یک جا جمع می‌شوند و کنترل آن‌ها دشوار تر می‌شود.

د: افرادی که کودکان را به عقب می رانند منفور کودکان می شوند.

ه: ما می توانیم با جا دادن آنان در بین خود به آنان شخصیت داده و علاوه بر کنترل آن ها، احساس خودباوری و بزرگی را در آنان شکوفا کنیم.

۴/ جذاب سازی و ایجاد علاقه

۱. مغازه داران برای جذب مشتری اسباب بازی داخل مغازه می گذارند و در مسجد وجود اسباب بازی سالم - خصوصاً برای کودکان - ضروری تر است.
۲. لباس تمیز و مرتب به آن ها بپوشانیم تا بفهمند مسجد جای پاکی ها و زیبایی هاست و با لباس نو علاقه بیش تری به مسجد پیدا می کنند.
۳. در رفت یا برگشت هدیه ای برای آنان خریداری کنیم.
۴. اگر چیزی - مثل نان و میوه - خریدیم، آن را به نام کودکان به منزل ببریم.
۵. در پذیرایی، کودکان را مقدم بداریم.
۶. برای جذب کودکان به مسجد از آنان پذیرایی کنیم.
۷. برای آن ها تنقلات یا خوردنی همراه داشته باشیم.

۵/ (فتا)های کریمانه

۸. کودکان بی سرپرست را با امام مسجد آشنا کنیم تا امام توجه ویژه ای به آن ها داشته باشد.
۹. اگر کودکان خطایی کردند، اغماض کنیم و اگر با آنان برخورد تنیدی شد، جبران کنیم، نه اینکه آنان را سرزنش کنیم.^{۱۱۷}

۱۰. اگر کودکان بدون همراهی والدین به مسجد آمده‌اند، نه تنها آن‌ها را تحقیر نکنیم که به آن‌ها احترام بگذاریم.

۱۱. به بچه‌هایی که پدر یا مادرشان در مسجد نیستند، محبت کنیم تا آنان احساس غربت نکنند.

۶/ فراهم آوردن امکانات

۱. برای کودکان مسجدی نذر و وقف خاص داشته باشیم.^{۱۱۸} چنانچه در گذشته وقف پذیرایی کودکان در مسجد، رایج بوده است.

۲. برای تطهیر و شستشو- خصوصاً برای کودکانی که نیاز مکرر دارند- آب در دسترس داشته باشیم.

دانشتنی‌های بایسته برای کودکان

شایسته است بزرگ‌ترها این مسائل را به کودکان آموزش دهند:

۱/ اهمیت مضور

۱. بدانند که میهمان خدا و محبوب او هستند و خدا آن‌ها را دوست دارد.
۲. بدانند پیامبر (ص) و اهل بهشت آن‌ها را دوست دارند.
۳. بدانند امید می‌رود در زندگی و انتخاب شغل موفق شوند.
۴. بدانند حضورشان در مسجد- اگرچه ساکت باشند و عبادتی نکنند- حکم نماز و عبادت را دارد.
۵. بدانند کودکان و نوجوانان خوب در مسجد زیادند.
۶. بدانند از علم و دانش بی‌منفعت به دور خواهند ماند.
۷. بدانند مسجد بهترین مکان برای مشورت و انتخاب رشته تحصیلی و شغل است.
۸. اگر وقت رفتن به مسجد، برنامه جذاب تلویزیونی گذاشته بودند، به صدا و سیما تذکر دهند.
۹. برنامه‌هایی که وقت نماز پخش می‌شوند، شیطانِ آنان نشود.

۱۱۸. مثل شهرهای اصفهان و شیراز.

۱۰. قرآن در مسجد را بر جلسات قرآن در اماکن دیگر مقدم بدانند.

۱۱. سعی کنند در هیچ شرایطی مسجد آمدن را ترک نکنند.

۲/ آداب حضور

۱. آداب حضور در مسجد را مراعات کنند.

۲. در نظافت کوشا باشند.

۳. هنگام گفت و گو مزاحم دیگران نباشند.

۴. مسجد را خانه خدا بدانند.

۵. دوستان خوب خود را در مسجد جستجو کنند.

۶. هنگام ورود بدانند که میهمان خدا هستند.

۷. کانون و پایگاه بسیج را برای مسجد بخواهند نه بالعکس.

۳/ زمان و مدت حضور

۱. حضور در مسجد مختصّ تابستان و تعطیلی‌ها نباشد، بلکه پیوسته با مسجد ارتباط داشته باشند.

۲. تمام اوقات را صرف تکالیف مدرسه، تماشای تلویزیون، بازی و سرگرمی نکنند، بلکه بخشی از اوقات خوب خود را به حضور در مسجد اختصاص دهند.

۳. اگر کسل و خسته هستند، زیاد در مسجد نمانند.

۴. اگر پیامبر و ائمه (ع) را دوست دارند زیاد به مسجد بروند.

۵. سعی کنند زیاد به مسجد بروند ولی زیاد نمانند.

۴/ همراهان

۱. بهتر است با پدر و مادر و بزرگ‌ترها به مسجد بروند یا بزرگ‌ترها آن‌ها را با خود ببرند.

۲. با بهتر از خود به مسجد بروند و از رفتن با افرادی که ارزش آنان را کم می‌کنند، بپرهیزند.

۵/ سلوک با والدین و اعضای خانواده

۱. سعی کنند پدر یا مادر را همراه خود به مسجد بیاورند.
۲. پدران و مادرانی که برای همراهی آنان به مسجد می‌آیند را احترام و از آنان تشکر کنند.
۳. اگر برادر یا خواهر بزرگ تر یا کوچک تر از خود دارند، او را نیز به مسجد بیاورند.

۶/ سلوک با دوستان ، فامیل و همسایگان

۱. دوستان خود را در مسجد پیدا کنند؛ چرا که دوستان مسجدی از دوستان مدرسه و محله و پارک در مقاومت و از خودگذشتگی جلو ترند.
۲. با افراد بهتر از خود در دوستی و رفاقت پیشگام باشند.
۳. اگر همکلاس مریض یا بداخلاقی دارند دعایش کنند.
۴. سعی کنند یکی از دوستان مدرسه خود را به مسجد بیاورند.
۵. اگر فامیل یا همسایه به خانه آنان آمد او را نیز به مسجد بیاورند.

۷/ سلوک با مسجدی ها

۱. به پدر و مادر و کسانی که به احترام آنان به مسجد می‌آیند، احترام بگذارند.
۲. تذکرات بزرگ‌ترها را بپذیرند و بدانند که اهالی مسجد دشمن آنان نیستند.
۳. هنگام نماز کنار بزرگ‌ترها بایستند.
۴. بدانند اگر بزرگ‌ترها تذکری دادند، به دلیل آن است که در کودکی اشتباهاتی انجام داده‌اند که نمی‌خواهند نسل نو دوباره آن اشتباهات را انجام دهند.
۵. بدانند تذکرات دیگران اغلب خیرخواهانه است و قصد آزار و اذیت آنان را ندارند.
۶. اگر بزرگ‌ترها به آنان نصیحتی کردند از آنان تشکر کنند.
۷. بزرگ‌ترها را دوست داشته باشند و بدانند با آنان دشمنی ندارند.

۸. برخی از بزرگ ترها از سر و صدای خانه و هیاهوی خیابان به مسجد پناه آورده اند، حق آنان را حفظ کنند.

۹. به پیرمردان یا زنانی که خوش اخلاقند احترام بیش تری بگذارند.

۱۰. اگر بزرگ ترها به آنان توهین کردند ناراحت نشوند؛ چون آنان را دوست دارند.

۱۱. اگر زودتر از بزرگ ترها، از آنان پذیرایی کردند، تشکر کنند.

۸ / سلوک با امام مسجد

۱. با امام مسجد دیدار و خود را به ایشان معرفی کنند.

۲. اگر تصمیم برانجام دادن کاری دارند، با امام مسجد مشورت کنند.

۳. اگر بزرگ ترها خلاف سلیقه آنان عملی داشتند، موضوع را با امام مسجد در میان بگذارند.

۴. امام مسجد را پدر روحانی و دلسوزترین مربی خود بدانند.

۵. اگر تصمیم برکاری داخل مسجد یا خارج از آن دارند با امام مسجد مشورت کنند.

۶. از بعضی ائمه مساجد که به احترام آنان نماز را طول نمی دهند تشکر کنند.

۹ / سلوک با خادم مسجد

۱. خادم را دوست بدانند و همانند همیار پلیس، همیارخادم باشند و با وی همکاری کنند.

۱۰ / آداب نماز جماعت

۱. در صف اول نماز، کم تر حضور داشته باشند.

۲. در صفوف دیگر، بین بزرگ ترها بایستند.^{۱۱۹}
۳. هنگام قرارگرفتن در صفوف نمازجماعت، به نمازگزارانی که جلو و پشت سر آن ها قرار دارند، احترام بگذارند.
۴. بعد از نماز یک دعای مستجاب دارند برای موفق بودن خود و دیگران - خصوصاً پدر و مادر - دعاکنند.
۵. سعی کنند مکبر نشوند و به جای آن اذان واقامه بگویند.

۱۱۹. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ. قَالَ: لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ؛ الْكَافِي، جلد ۳، صفحه ۴۰۹، حدیث ۳.

فصل سوم

آرزوهای کودکان

با مطالعه و بررسی آرزوهای کودکان پیرامون مسجد، می توانیم تا اندازه ای میزان درک آنان از مسجد و علاقه آنان به مسجد را کشف کنیم.^{۱۲۰}

۱ / پایبندی به اسلام

دوست دارم مسلمان باشم.

دوست دارم اسلام را در آنجا یاد بگیرم.

دوست دارم فعال در اجرای فرامین الهی باشم.

دوست دارم نشانه و سمبل اسلام باشم.

۲ / جایگاه مسجد

مسجد خانه خدا و من است.

مسجد خانه قلبم است.

دوست دارم در کشور ما بیش تر مسجد ساخته شود.

۳ / موقعیت مسجد

دوست دارم مسجد محله مان نزدیک به خانه مان باشد تا بتوانم به راحتی در آن حضور پیدا کنم.

۱۲۰. مطالبی که در باره آرزوهای کودکان در پی می آید برگرفته از نامه های ارسالی کودکان شرکت کننده در مسابقه برگزار شده توسط مؤسسه مسجد است.

۴ / تأثیرپذیری از مسجد

دوست دارم قلبم مثل مسجد پاک باشد.

دوست دارم دلم مثل مسجد پاک باشد.

۵ / جذابیت‌های مسجد

دوست دارم مسجد محله مان برآورنده آرزوهایمان باشد.

دوست دارم در مسجد بعد از نماز پذیرایی کنند؛ مثلاً بستنی بدهند.

۶ / مسئولیت پذیری

دوست دارم مسئولیت غیر تکبیر را هم به ما بدهند.

دوست دارم در کارهای مسجد کمک کنم.

۷ / هندسه مسجد

دوست دارم حیاط بزرگ و آب داشته باشد.

دوست دارم همیشه باز و روشن باشد.

دوست دارم گنبد بلند و زیبا داشته باشد.

دوست دارم مسجد محله مان از سایر ساختمان‌ها بزرگ تر باشد.

۸ / فضا و محیط مسجد

دوست دارم مسجد محیطی شاد و مُفَرَّح باشد.

دوست دارم مسجد قشنگ تر باشد.

دوست دارم فرش های مسجد ما نظیف و مرتب باشد.

دوست دارم تمیز و معطر باشد؛ چون می خواهم راز و نیاز کنم.

دوست دارم گل و گیاه در مسجد وجود داشته باشد.

دوست دارم مسجد باصفا باشد.

دوست دارم مسجد همیشه نورانی باشد.

۹ / امکانات مسجد

دوست دارم جایی برای بازی در مسجد باشد که مزاحم بزرگ ترها نباشیم.

دوست دارم امکانات مسجد زیاد باشد.

۱۰ / لذت حضور

دوست دارم بیش ترین وقتم را در مسجد باشم.

دوست دارم دلچسب و شیرین باشد.

دوست دارم مسجدی پر بار از معنویت باشد.

دوست دارم در مسجد با خدا صحبت کنم.

دوست دارم حضور خدا در آن احساس شود.

دوست دارم در مسجد با خدا راز و نیاز کنم.

۱۱ / توقعات از بزرگ‌ترها

دوست دارم به ما اهمیت بیش تری بدهند.

دوست دارم بزرگ‌ترها با ما خوشرویی کنند.

دوست دارم مردم مسجد محله مان مهربان باشند.

۱۲ / آداب مضمور

دوست دارم کنار بزرگ‌ترها بنشینم.

۱۳ / میزان مضمور

دوست دارم همه مردم شرکت کنند.

دوست دارم شلوغ باشد.

دوست دارم مردم محله همه در مسجد باشند.

دوست دارم با تمام اهل خانه به مسجد بروم.

۱۴ / برنامه‌ها

دوست دارم نماز سر وقت خوانده شود.

دوست دارم در همه زمینه‌ها فعالیت داشته باشد.

دوست دارم صدای اذان زیبا و دلنواز باشد نه زشت و گوشخراش.

دوست دارم جشن و عزا در مسجد برگزار شود نه فقط عزا.

دوست دارم در مسجد به فکر اموات باشیم.

دوست دارم برنامه های مسجد مثل نماز باشد.

۱۵ / کلاس و آموزش

دوست دارم در مسجد برای ما کلاس نگذارند.

دوست دارم مثل مدرسه، معلم بچه ها داشته باشد.

دوست دارم مسجد برنامه تفریحی داشته باشد.

دوست دارم آداب مسجد را بدانم.

۱۶ / امام جماعت

دوست دارم امام جماعتش با ما دوست باشد.

دوست دارم امام جماعتی مهربان داشته باشد.

دوست دارم امام جماعت همیشه در دسترس باشد تا هر وقت سؤال داشتم بپرسم.

دوست دارم امام جماعت مسجد ما سید باشد.

دوست دارم آقای ما همیشه انگشتر داشته باشد.

۱۷ / نماز جماعت

دوست دارم صف ها منظم باشد.

دوست دارم همیشه نماز را اول وقت در مسجد بخوانم.

دوست دارم دوستان و همکلاسی هایم در مسجد حضور داشته باشند و با هم نماز جماعت بخوانیم.

دوست دارم نماز صبح را به جماعت در مسجد بخوانم.